

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (ع)



مجموعه آثار حضرت آیت الله العظمی مظهر

فهرست نویسی پیش از انتشار: کتابخانه ملی ایران

سرشناسه: مظاهری، حسین، ۱۳۱۲-

عنوان و نام پدیدآورنده: وسواس / مظاهری.

مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۸۷ هـ.ش.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص. ۱۰۰۰۰ ریال.

فروست: مجموعه آثار حضرت آیت الله العظمی مظاهری: ۱۱. دین؛ ۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۹-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: وسواس -- جنبه های مذهبی -- اسلام .

موضوع: فتواهای شیعه -- قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: ۵۰۵/م۶۵/۲۳۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۹۲۷۱

راہکار نامی علی درمان

وسواس

» به انضمام احکام و استفتائات «

مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی مظاہری
مدظلہ العالی



مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا^(س)

وسواس

مجموعه آثار- ۱۱ اخلاق/ ۴

مؤلف: مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری «مدظله العالی»

ناشر: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا^(س)

نوبت چاپ: اول/ فروردین ۱۳۸۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

سازمان چاپ و انتشارات

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

© تمام حقوق برای «مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا^(س)» محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۹-۸

مراکز توزیع: (۱) مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا^(س) - دفتر اصفهان

تلفن و دورنگار: ۴۴۶۳۶۷۱ - ۰۳۱۱

آدرس اینترنتی: www.al-zahra.ir

(۲) خدمات فرهنگی فدک - اصفهان، خیابان مسجد سید

تلفن: ۲۲۰۵۴۸۵ - ۰۳۱۱

فهرست

سخن ناشر	۱
فصل اول: راهکارهای عملی درمان وسواس	۵
شیطان و راه‌های گمراهی بندگان	۷
تعریف وسوسه و وسواسی	۹
اقسام وسوسه	۱۰
وسواسی، خناس خودش	۱۴
وسواسی، مطرود همه	۱۸
وسواسی، قاتل خود و دیگران	۲۳
وسواس، نوعی سفاهت	۲۴
درمان وسواس	۲۸
۱- دعا و توسل	۲۹
۲- کمک گرفتن از نماز	۳۲
۳- تقوا و اجتناب از گناه	۳۳

٤-	بی اعتنائی.....	٣٤
٥-	انتخاب الگو.....	٤٤
٦-	تلقین.....	٤٦
٧-	مراقبه.....	٤٦
فصل دوّم: احکام و استفتائات وسواس.....		
	احکام وسواس.....	٥٥
	استفتائات وسواس.....	٥٨
	منابع و مآخذ.....	١٠٤

سخن ناشر

همواره در جوامع بشری انسان‌هایی زندگی می‌کرده‌اند که گرچه دارای ظاهری سالم بوده‌اند، ولی نوعی تفاوت آشکار در اعمال و رفتار آنان نسبت به کردار رایج و متعارف افراد عادی جامعه وجود داشته است. اینگونه افراد که در همه جوامع بشری و در میان پیروان همه‌ی ادیان و مذاهب، حضور داشته و دارند، بیش از حدّ متعارف در امور معمولی - اعم از مادی و معنوی - سختگیری می‌کنند، به همه چیز شک دارند، به کسی اطمینان نمی‌کنند و در بسیاری از امور زندگی کارهای خود را با تردید انجام می‌دهند. به این افراد که متأسفانه در جامعه اسلامی و حتّی در میان شیعیان نیز یافت می‌شوند، افراد وسواسی گفته می‌شود.

وسوسه و وسواس نوعی بیماری و به عبارتی شاید بدتر از سرطان است. بر همین اساس بحث درباره‌ی آن، برای کسانی که دچار این بیماری شده‌اند و در حقیقت شیطان بر آنها مسلط شده، بسیار ضروری است. زیرا وسواس باعث می‌شود دین و دنیای افراد مبتلا به آن و اطرافیان آنان، در مخاطره‌ی عجیبی واقع شود و حتی زندگی روزمره برای آنها سخت گردد.

بنابراین وسواسی باید به خدا پناه برد و به فکر درمان خود باشد. معالجه‌ی

این بیماری از نظر متخصصین روانپزشکی مشکل است و حتی برخی معتقدند که قابل درمان نیست.

از آنجا که دین مبین اسلام، هیچیک از معضلات و مشکلات بشری را بی‌پاسخ نگذاشته و حتی برای اصلاح موارد بسیار جزئی هم راهکار ارائه کرده است، درمان وسواس را نیز رها نکرده و برای آن راهکارهای عملی و مفیدی دارد. بهترین این راهکارها در روایات ارزشمندی که از جانب حضرات معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است و نیز در سیره زندگانی آن بزرگواران و بزرگان دین وجود دارد.

بنابر این از نظر اسلام، بیماری وسواس - چه فکری و چه عملی - قابل درمان است، به شرط آنکه شخص وسواسی با مراجعه به فتاوی مراجع معظم تقلید و علمای وارسته، صد در صد به دستوراتی که در این خصوص ارائه می‌گردد، عمل کند و از لجاجت و اصرار بیجا پرهیز نماید. زیرا در برخی موارد لجاجت و عدم حرف شنوی بیماران موجب طولانی شدن مدت درمان و در نتیجه عدم بهبودی آنان می‌شود که در اینصورت مراجعه به روانپزشک متخصص متدین توصیه می‌گردد.

کتاب حاضر حاصل پنج جلسه سخنرانی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری مدظله العالی با موضوع «وسواس» می‌باشد که در سالهای گذشته بیان گردیده است و اکنون متن آن در مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء سلام الله علیها تنظیم شده و پس از افزودن احکام وسواس - که عیناً از بخش اخلاق رساله‌ی توضیح المسائل معظم له استخراج گردیده - و نیز بخشی از سؤالات شرعی و استفتائات مربوط به وسواس و پاسخهای

معظم له، به شکل حاضر ارائه می گردد.

امید آنکه مورد رضای حضرت احدیّت «جلّ و علا» واقع شود و موجب کمک به درمان بیماران وسواسی گردد.

در پایان از کلیه ی عزیزانی که در تنظیم و آماده سازی این اثر ایفای نقش نموده اند، خصوصاً از جناب حجت الاسلام آقای رضا قاسمی به سبب ویرایش اولیه متن و استخراج اسناد آیات و روایات و نیز جناب آقای علیرضا لطفی (حامد اصفهانی) به جهت ویراستاری متن، تقدیر و تشکر می گردد.

«الله ولی الهدایة و التوفیق»

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء ع.ا.ع.



فصل اول؛

راهکارهای علمی درمان وسواس

- ◎ شیطان و راه‌های گمراهی بندگان
- ◎ تعریف وسوسه و وسواسی
- ◎ اقسام وسوسه
- ◎ وسواسی، خناس خودش
- ◎ وسواسی، مطرود همه
- ◎ وسواسی، قاتل خود و دیگران
- ◎ وسواسی، نوعی سفاقت
- ◎ درمان وسواسی

شیطان و راه‌های گمراهی بندگان

طبق آیات قرآن کریم، شیطان پس از آن که از درگاه خداوند متعال رانده شد، چند مرتبه با خداوند اعلام جنگ کرد. از جمله، به خداوند گفت:

﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ^(۱)﴾

گفت: «پس به سبب آن که مرا به بیراهه افکندی، من هم برای فریفتن آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست، آن گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیش‌ترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه‌ی شریفه می‌فرماید:

أَمَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ فَهُوَ مِنْ قَبْلِ الْآخِرَةِ لَأُخْبِرَنَّهُمْ أَنَّهُ لَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ وَلَا نُشُورَ وَأَمَّا خَلْفَهُمْ يَقُولُ مِنْ قَبْلِ دُيَاهُمْ أَمْرُهُمْ يَجْمَعُ الْأَمْوَالَ وَ أَمْرُهُمْ أَنْ لَا يَصِلُوا فِي أَمْوَالِهِمْ رَحِمًا وَلَا يُعْطُوا مِنْهُ حَقًّا وَ أَمْرُهُمْ أَنْ يُقْلَلُوا عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ أَحْوَفُهُمْ

عَلَيْهِمُ الضَّيْعَةُ وَ أَمَّا عَنْ أَيْمَانِهِمْ يَقُولُ مِنْ قَبْلِ دِينِهِمْ فَإِنْ
كَانُوا عَلَى ضَلَالَةٍ زَيَّنَّا لَهَا لَهُمْ وَ إِنْ كَانُوا عَلَى هُدًى جَعَلْنَا
عَلَيْهِمْ حَتَّى أَخْرَجَهُمْ مِنْهُ وَ أَمَّا عَنْ شَمَائِلِهِمْ يَقُولُ مِنْ قَبْلِ
اللَّذَاتِ وَ الشَّهَوَاتِ^(۱)

این که می‌گوید: از پیش رو می‌آیم، یعنی از راه آخرت که به آنها
می‌گوید: نه بهشتی است، نه دوزخی و نه رستاخیزی.

اما از پشت سر این است که، یعنی از راه دنیایشان آنان را به
گردآوری مال و می‌دارد و فرمان می‌دهد مالی را در راه صله‌ی رحم
صرف نکنند، و از آن حق کسی را ندهند و بر فرزندان خود هزینه
ندهند و از نابود شدن مال آنها را می‌ترساند.

اما از سمت راست، یعنی از راه دین آنها که اگر در گمراهی باشند، آن
را برایشان زینت می‌بخشد و خوش‌نما می‌سازد، و اگر بر راه حقند،
می‌کوشد تا آنان را از آن بیرون برد.

اما از سمت چپ، یعنی از راه لذت‌ها و شهوات آنان را می‌فریبد.

این آیه‌ی شریفه، زنگ خطری برای همه است. پروردگار عالم تذکر داده
است که ای انسان، این شیطان برای تو دشمن بزرگی است؛ شیطان به کار
خود عالم است، روان‌شناس است، می‌داند از چه راهی بیاید و تو را گمراه کند.
مواظب این دشمن باش. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که شیطان
از هر راهی بتواند، تلاش می‌کند تا ما را بدبخت کند. او به افراد متدین
نمی‌گوید: دزدی کن، شیطان اصلاً از این راه وارد نمی‌شود؛ زیرا از این راه

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۴

تیغش نمی‌بُرد، بلکه می‌گوید: با غیبت کردن، با شایعه پخش کردن و با تهمت زدن آبروی مردم را بریز. شیطان هر کسی را از راهی مناسب خودش گمراه می‌کند.

و از راه‌های مهم شیطان برای گمراه کردن مقدّسین همین قضیه‌ی وسواس است که اگر کسی به آن مبتلا شود، بسیار مشکل است روی سعادت ببیند، مگر این که خود را از شرّ آن نجات دهد، وگرنه باید بداند که جهنّم را برای خود مهیّا کرده است. وسواس و وسواسی‌گری بلایی مُهلک است که انسان با آن نمی‌تواند بهشتی شود؛ انسان وسواسی باید دست از وسواس خود بردارد، وگرنه چنانکه سرطان آدم را می‌کشد، وسواس هم انسان را به نابودی می‌کشانَد. سرطان به جسم انسان اثر می‌گذارد، اما وسواس انسان را از نظر روحی نابود می‌کند که بسیار بدتر از سرطان است؛ زیرا بیمار سرطانی می‌تواند به بهشت برود، اما انسان وسواسی غالباً بدون ایمان از دنیا می‌رود.

تعریف وسوسه و وسواسی

«وسوسه»، یکی از اضداد «یقین» است که در لغت به معنای «همهمه» است؛ از این رو، به صدای آهسته نیز «وسوسه» می‌گویند. در اصطلاح، به خطوراتی گفته می‌شود که به وسیله‌ی نفس و شیطاین جن و انس به قلب انسان وارد می‌شود.

«وسواسی» نیز به کسی گفته می‌شود که این خطورات به طور مستمرّ برای او پدید می‌آید و او نیز به آن ترتیب اثر می‌دهد.

توضیح آن که، یکی از اقسام جهل، جهل متردد یا همان شکّ مصطلح است که اگر این شکّ به صورت یک حالت در نیاید، امری طبیعی است و برای بسیاری از مردم پیش می‌آید، و علاوه بر این، شکّ را پلی به سوی علم خوانده‌اند. اما گاهی این جهل برای انسان به یک حالت تبدیل می‌شود که به صاحب آن، در اصطلاح فقه، «کثیر الشکّ» یا «شکّاک» و در اصطلاح عرف «وسواسی» گویند.

اقسام وسوسه

وسوسه به دو قسم وسوسه‌ی عملی و وسوسه‌ی فکری تقسیم می‌شود: وسوسه‌ی فکری همان خطوط تصوّرات، پندارها و خیالات واهی و بی اساس به ذهن انسان است؛ مثلاً مرد به زنش یا زن به شوهرش بدبین می‌شود و متأسّفانه به همین جا هم منتهی نمی‌شود؛ منجر به انتقام گیری و مصیبت‌های بالاتر از آن می‌گردد.

گاهی تخیّلش به آن جا می‌رسد که امام زمان علیه السلام یا ملائکه را می‌بیند و و اقلاً هم گمان می‌کند که می‌بیند؛ مثل انسان ترسو، وقتی به قبرستان می‌رود، می‌بیند مرده‌ای از قبر بیرون آمده و حقیقتاً هم مرده را می‌بیند که به دنبال اوست؛ آن تخیّل بر روی چشمانش اثر می‌گذارد، در حالی که نه مرده‌ای از قبر بیرون آمده است و نه کسی او را تعقیب می‌کند، اما قوه‌ی تخیّل بر چشم و گوش و سایر اعضا و جوارح او اثر می‌گذارد.

گاهی وسوسه‌ی فکری به آن جا می‌رسد که به مقدّسات، به خداوند، به پیامبر

سَلَامُ عَلَیْهِمَا وَآلِهِمَا وَسَلَّمَ به ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام، به روحانیت و مراجع تقلید بدبین می‌شود. در مورد خدا و قرآن دچار شبهه می‌شود و بالاخره اعصاب او ضعیف می‌شود و به سرحدّ جنون می‌رسد و اگر به فریاد خود نرسد، واقعاً دیوانه می‌شود. زنش را به خاطر هیچ و پوچ طلاق می‌دهد؛ زیرا خیال می‌کند زنش بد است. زن از شوهرش به خاطر هیچ و پوچ طلاق می‌گیرد، فقط به این خاطر که خیال می‌کند با کسی رابطه دارد. گاهی وسواس به این شکل است.

وسوسه‌ی عملی هم این است که انسان در اعمالش دچار وسواس می‌شود؛ مثلاً در طهارت و نجاست وسواس پیدا می‌کند. زود یقین پیدا می‌کند که فلان چیز نجس شد، اما دیگر به این سادگی به پاک شدن آن یقین پیدا نمی‌کند. در مورد نجاست زود باور است، اما در مورد طهارت دیر به باور می‌رسد. بدیهی است که این هم نوعی جهل است. اگر زود باور یا دیر باور است، باید در مورد هر دو این طور باشد.

گاه در مورد نمازش غیر متعارف می‌شود؛ حمد و سوره‌ی خودش را باطل می‌داند، علاوه بر آن حمد و سوره‌ی امام جماعت را هم باطل می‌داند. کم کم کارش به آن جا می‌رسد که نماز جماعت را به طور کلی ترک می‌کند.

برخی در مورد میکروب دچار وسواس می‌شوند. وقتی نان را از نانوائی می‌گیرند. به خیالاتی واهی دچار می‌شود که چه دست‌هایی کار کرده تا یک قرص نان به این شکل در آمده است؟ آن کسی که خمیر کرده، آن کسی که چانه گرفته، آن کسی که آن را پهن کرده، آن کسی که آن را از تنور در آورده است و نتیجه می‌گیرند که، هفت هشت دست روی آن کار کرده است.

بنابراین خوردن چنین نانی را روا نمی‌دانند و دلیلشان این است که آن افراد را نمی‌شناسند و نمی‌دانند دستانشان تمیز بوده است یا نه. این هم نوع دیگری از وسواس است.

این وسواس‌ها اختصاص به قشر خاصی ندارد؛ در میان افراد امروزی وجود دارد، در میان افراد قدیمی نیز وجود دارد، در میان افراد باسواد دیده می‌شود، در میان بی‌سوادها نیز قابل مشاهده است.

اما عجیب است که این افراد در مورد حق‌الله و حق‌الناس اصلاً وسواس ندارند. خیلی کم پیدا می‌شود که کسی یک مرتبه خمس بدهد، اما بعد شک کند و بگوید که آیا پرداخت خمس من صحیح بود یا نه؟ و دوباره خمس بدهد.

بنابراین وسوسه دو قسم است: وسوسه‌ی فکری و وسوسه‌ی عملی؛ و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. نکته دیگر اینکه وسوسه، جهل مرکب است قرآن جهل مرکب را بدترین دردها برای انسان می‌داند. معنی جهل مرکب این است که انسان به چیزی که واقعیت ندارد، یقین پیدا کند؛ مانند همین وسواسی که تمام پاک‌های عالم را نجس می‌داند. هر چه به او بگویند: این پاک است، نمی‌پذیرد. حرف هیچ کس را جز حرف خودش یا کسی که مثل خودش باشد نمی‌پذیرد. وسواسی‌ها معمولاً همدیگر را قبول دارند «کند هم جنس با هم جنس پرواز». البته بعضی از آنها همدیگر را هم قبول ندارند. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا^(۱) ﴿﴾

بگو: «آیا شما را از زیان کارترین مردم آگاه گردانم؟» آنان کسانی هستند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته است و می‌پندارند که خود کار خوب انجام می‌دهند.

برای یک غسل نیم ساعت خودش را معطل می‌کند و گمان می‌کند که غسل صحیح را او انجام داده و غسل دیگران باطل است. شخصی وسواس داشت و می‌گفت: اول اذان صبح به یک حمام عمومی رفتم، اما تا طلوع آفتاب نتوانستم غسل انجام دهم و وقت نماز گذشت. خجالت کشیدم و از آن حمام بیرون آمدم و به حمام دیگری رفتم و تا قبل از ظهر غسلم را تمام کردم. یک غسلم حدود هفت ساعت طول کشید، اما باز هم به دلم نچسبید! این، از مصادیق فرموده‌ی قرآن، یعنی زیان کارترین افراد است.

در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

﴿وَيَذَعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ^(۲)﴾

و انسان همان گونه که خیر را فرا می‌خواند، پیشامد بد را می‌خواند. گاهی انسان کارش به آن جا می‌رسد که کار شرّ انجام می‌دهد، ولی خیال می‌کند کار خیر انجام داده است. در حالی که جهنّم را برای خود آماده می‌کند، گمان دارد که به سمت بهشت می‌رود. فرد وسواسی چنین حالتی را دارد. کاری می‌کند که خدا را به غضب در می‌آورد، امّا به خیال خود دارد

۱. کهف/۱۰۳-۱۰۴

۲. اِسرائ/۱۱

عبادت می‌کند. این افراد باید با بی‌اعتنایی از این شیوه دست بردارند. همان‌طور که وقتی به یک حیوان درنده بی‌اعتنایی کنید، راه خودش را می‌گیرد و می‌رود، شیطان هم با بی‌اعتنایی دور می‌شود و دیگر کاری به کار شما ندارد. اما اگر با او راه آمدید، دست از سرتان بر نمی‌دارد و شما را تا حدّ دیوانگی به پیش می‌برد.

یک فرد وسواسی نه تنها خودش را از سعادت محروم می‌کند، خانواده خود را هم به بدبختی می‌کشانَد. بسیار مشاهده می‌شود که با وسواس در طهارت و نجاست هم خودشان را بدبخت کرده‌اند و هم خانواده را به عذاب انداخته‌اند تا حدّی که آن‌ها برای او طلب مرگ می‌کنند.

وسواسی؛ خناس خودش

باید به این مطلب مهم توجه کنیم که وسواسی، «خناس» خودش است و مشکل اصلی همین جاست. در میان شیاطین، شیطانی به نام «خناس» وجود دارد که کارش فریب دادن انسان به طور غیر مستقیم است؛ یعنی مستقیماً توصیه به گناه نمی‌کند. به عبارت ساده‌تر، زهر را درون کپسول می‌ریزد و آن را به عنوان دارو به خورد ما می‌دهد. مثلاً به نام تجدد، به خانم می‌گوید: بی‌حجابی نوعی تمدّن است و حجاب، ارتجاع و تحجّر می‌باشد. و تو باید متمدّن باشی. این روش در مورد افراد وسواسی نیز صدق می‌کند؛ یعنی به نام دین، او را از دین بیرون می‌برد.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لِقَلْبِهِ أُذُنَانِ فِي جَوْفِهِ أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا
الْوَسْوَاسُ الْخَنَاسُ وَ أُذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْمَلَكُ فَيُؤَيِّدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ
بِالْمَلَكِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿وَ أَيْدِهِمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾^(۱)

هیچ مؤمنی نیست مگر آن که قلبش دارای دو گوش است: یک گوش که وسواس خناس در آن می‌دمد و گوش دیگر که فرشته در آن می‌دمد. پس خداوند، مؤمن را با آن فرشته یاری می‌کند و این معنای فرموده‌ی خداوند است: «و آنان را با روحی از جانب خویش یاریشان کرد.»

این خناس انسان را از بیرون، وسوسه می‌کند؛ مانند رفیق بد که آن هم خناس انسی است و انصافاً از هر شیطانی بدتر است. این مواد مخدری که امروزه همه را بدبخت کرده است، معمولاً در اثر رفیق بد است. خناس خارجی، گاهی انسی و گاهی جنی است. اما یک خناس بدتر از این خناس انسی و جنی وجود دارد و آن خود انسان است که برای خودش شیطان می‌شود. یک مثالی در میان عوام مشهور است که می‌گویند: شیطان توی پوستش رفته است. این مثال مناسبی در مورد انسان وسواسی است که گویا شیطان در پوست او رفته و در وجود او جای گرفته است. خناس درونی به جای این که از بیرون به او بگوید: پاک نشد، خودش همان را به خود تلقین می‌کند. و این خیلی زشت است که کسی در باره‌ی دین خودش، خناس خود شود.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۶۷.

قرآن کریم در مورد این خناس خطاب خیلی تند دارد. دو سوره‌ی آخر قرآن به «معوذتین» معروف است. سوره‌ی اوّل سوره‌ی فلق است که پروردگار عالم یک مرتبه به ما دستور پناه بردن به خدا داده است، اما در موارد پناه جستن از خداوند چهار مطلب خیلی مهم بیان می‌فرماید:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو: «پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌ی صبح، از شرّ تمام آن چه آفریده است؛ و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود؛ و از شرّ آنها که با افسون در گره‌ها می‌دمند و هر تصمیمی را سست می‌کنند؛ و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد.

در این سوره یک مرتبه به خداوند پناه می‌بریم، اما از چهار چیز خیلی مهم. اما در سوره‌ی ناس؛ سه مرتبه به خدا از یک چیز پناه می‌بریم. خداوند می‌فرماید: سه مرتبه پناه ببر از شرّ یک چیز و آن هم چیزی جز خناس نیست:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، به مالک و حاکم مردم، به خدا و معبود مردم، از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار، که در درون سینه‌ی انسان‌ها وسوسه می‌کند،

خواه از جنّ باشد یا از انسان.

گاهی آن خناس انسی یا جنّی، خود انسان است که وسوسه گر خود می شود و وسواسی این طور است؛ شیطان در پوستش رفته است و از راه عبادت او را بدبخت می کند. یک ساعت طول می کشد تا یک غسل انجام دهد، در آخر هم آن غسل را قابل قبول نمی داند و می گوید: نشد. این گونه رفتار او حرام است. یک غسل حداکثر باید پنج دقیقه طول بکشد. وضویی که باید در عرض نیم دقیقه یا یک دقیقه انجام شود، نیم ساعت به طول می انجامد. این شیوه ای غلط است. هیچ اسلامی، هیچ مرجع تقلیدی نگفته است که ما باید این طور وضو بگیریم.

مرحوم آیه الله مرعشی نجفی رحمته الله برای این که طریقه ی صحیح وضو گرفتن را به دیگران یاد بدهد، گاهی در جلسه وضو می گرفت؛ یک قمقمه ی آب همراه ایشان بود. آن را بر می داشت و یک مشت آب به صورت می زد، یک مشت به دست راست و یک مشت هم به دست چپ و مسح سر و پاها را انجام می داد و راه می افتاد برای نماز. مرجع تقلیدی که هشتاد سال در زمینه ی اسلام کار کرده، این طور وضو می گیرد.

مابقی بزرگان و مراجع نیز این گونه عمل می کردند. گاهی دو سه روز باران می آمد. در اینصورت، وسواسی ها دیگر یقین پیدا می کردند که همه ی عالم نجس شده است. استاد بزرگوار ما حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله با وجود گل های داخل کوی و برزن که به عبای ایشان می چسبید، مقید بودند با همان وضعیت نماز بخوانند.

یکی از اساتید بنده بسیار مرد بزرگی بود، اما وسواسی بود. گاهی در جلساتی که با ایشان داشتم می‌فرمود: شما فقها باید یکی از این دو کار را انجام دهید: یا بگویید تمام عالم نجس است یا بگویید متنجس چیزی را نجس نمی‌کند. اما آیه الله بروجردی رحمته الله مقید بودند با همان گل‌ها نماز بخوانند تا به دیگران بفهمانند در عباداتشان چگونه باشند.

همچنین حضرت امام خمینی رحمته الله مقید بودند با همان عبای گلی به مدرسه‌ی فیضیه بیایند و نماز بخوانند. بزرگان دین - مراجع و غیر مراجع - چنین سیره‌ای داشتند. روش ما هم باید روش عرف متشرع مانند روش اهل علم و روش مراجع تقلید باشد، وگرنه، باید بدانیم که شیطان در پوستمان رفته است. وسواسی باید بداند که خودش، خناس خودش است و این دو سوره‌ی معوذتین را باید مرتب بخواند. به آیه‌ی مربوط به وسوسه که رسید، بگوید: خدایا، من خودم خناس خودم هستم، تو به من رحم کن. البته تنها دعا فایده ندارد، همّت می‌خواهد. باید بی‌اعتنایی کند و آن چه را که خدا می‌خواهد و مراجع تقلید بیان کرده‌اند، انجام دهد، نه آن چه شیطان درونش می‌گوید.

وسواسی؛ مطرود همه

وسواسی باید بداند که مطرود همه است و همه از او متنفرند. خدا او را دوست ندارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی طاهرين علیهم السلام از او بیزارند. خانواده‌اش از او متنفرند. مردم هم او را دوست ندارند. حتی خودش هم خودش را دوست ندارد و از خودش منجر است.

و اگر در مذمت و سواسی فقط همین جمله را داشتیم در زشتی عمل و سواسی کفایت می کرد که دست از سواس بردارد. و سواسی اگر جز گناه اسراف هیچ گناهی نداشته باشد، چه اسراف در آب، چه اسراف در کارهایش، چه اسراف در عمرش، در گفتن این جمله که خدا او را دوست ندارد کفایت می کند. قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^(۱)

همانا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

البته باید و سواسی را بالاتر از مُسْرِف یعنی مُبَذِّر بدانیم. فرق بین اسراف و تبذیر آن است که انسان گاهی در مصرف نعمت های خداوند زیاده روی می کند. به این می گویند اسراف؛ مثل آن که زیاد بخورد، زیاد بپوشد، زندگی تجملی داشته باشد. اما تبذیر آن است که نعمت های خداوند را هدر بدهد؛ مثل این که غذای خود را بریزد، لباس خود را پاره کند. هر دو حرام است، اما قبح عمل مُبَذِّر بیش تر است. قرآن کریم در مورد مسرفین می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾^(۲)

و اسراف کاران همدمان آتشند.

اما در مورد تبذیر می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾^(۳)

۱. أنعام/۱۴۱؛ أعراف/۳۱

۲. غافر/۴۳

۳. إسرائء/۲۷

تبذیر کنندگان برادران شیطان‌هایند.

نمی‌فرماید: از شیطان متابعت می‌کند، بلکه بالاتر از آن می‌فرماید: برادر شیطان است و بدبختی این جاست که وسواسی مسرف نیست، مُبذّر است. کسی که نیم ساعت برای یک غسل وقت می‌گذارد، این نیم ساعت مشغول عبادت نیست، مشغول تبذیر است. آب را هدر می‌دهد. این عمل حرام است. اگر در حمام عمومی باشد، ضامن است. بالاتر از آن، عمرش را هدر داده است. عُمر از نظر اسلام خیلی مقدّس است. قرآن در باره‌ی کسانی که عمرشان را در دنیا هدر داده‌اند، می‌فرماید:

﴿وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ التَّنْذِيرُ فَذُوقُوا فَلِمَ لِلظَّالِمِينَ مِّنْ نَّصِيرٍ^(۱)﴾

و آنان در دوزخ فریاد بر می‌آورند: «پروردگارا، ما را بیرون بیاور، تا غیر از آن چه می‌کردیم، کار شایسته کنیم.» [در پاسخ به آنان گفته می‌شود:] مگر شما را آن قدر عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می‌گرفت؛ و آیا برای شما هشدار دهنده نیامد؟ پس بپشید که برای ستمگران یآوری نیست.

اگر برای وسواسی جز همین آیه، آیه‌ای نداشتیم، بس بود که دست از این کارش بر دارد. آن کسانی که عمرشان را به هدر دادند و از آن استفاده نکردند و به بطالت و به توجّه به وسوسه‌های نفسشان گذرانند، این‌ها در جهنّم هر

چه فریاد بکشند، کسی نیست که به فریادشان برسد و خداوند این افراد را با عنوان «ظالم» مورد خطاب قرار می‌دهد.

تکرار مدام نماز، طولانی کردن وضو و غسل و وسواس به خرج دادن در طهارت و نجاست، هدر دادن عمر است و همان طور که تبذیر در نعمات الهی گناهش بسیار بزرگ است، تبذیر در عمر هم گناهش بسیار عظیم است.

عمر انسان از ارزش فوق‌العاده و الائی برخوردار است. در گذشته می‌گفتند: عُمَر طلاست، اما قطعاً اشتباه است؛ زیرا ارزش عمر از دنیا و آن چه در دنیاست، بالاتر است. شناخت ارزش عمر است که مخترعین بزرگ را به جامعه تحویل داده است. اهمیت دادن به عمر است که علامه‌ی مجلسی‌ها را پرورش داده است.

بنابراین به جوانان عزیز اکیداً توصیه می‌کنم که از جوانی خود استفاده کنید. در روز قیامت قبل از حساب و کتاب، یک بازپرسی هست و اگر کسی در این مرحله مردود شود، به جهنم می‌برند و دیگر نوبت به حساب و کتاب نمی‌رسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موضوع این بازپرسی را این گونه بیان می‌فرماید:

﴿لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعِ عَنِّ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَ فِيمَا أَتَقَفَّهُ وَ عَنْ حُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ ^(۱)﴾

در روز قیامت، بنده قدم از قدم بر نمی‌دارد تا آن که از او در مورد چهار چیز سؤال شود: از عمرش که در چه راهی آن را به پایان برده،

از جوانی اش که آن را صرف چه کرده، از مالش که آن را از کجا آورده و در کجا مصرف کرده و از دوستی ما اهل بیت.

از جوان سؤال می‌کنند: با این جوانی که می‌توانستی برای آباد کردن دنیا مصرف کنی، چه کردی؟ از پیرمرد می‌پرسند: هفتاد سال عمرت چه شد؟ خوردن، رفتن به بازار، رفتن به اداره، برگشتن، تماشای تلویزیون، خوابیدن و دوباره تکرار همین اعمال در روز بعد؟ در حالی که انسان می‌تواند به آن جا برسد که ملائکه بر او نازل شوند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ^(۱)﴾

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند.

خانم مسلمان باید به آن جا برسد که مانند بانو مجتهدیه امین، تسبیح گُل و گیاه را بشنود. مرد مسلمان باید خود را به آن جا برساند که مانند مرحوم آخوند کاشی، در و دیوار و درخت همراه با او «لا اله الا الله» بگوید. این‌ها را شوخی نگیرید؛ ریشه‌ی قرآنی دارد. قرآن کریم خطاب به کوه‌ها و پرندگان می‌فرماید:

﴿يَا جِبَالُ أَوَّيْ مَعَهُ وَ الطُّيْرُ^(۲)﴾

ای کوه‌ها و ای پرندگان! با داوود هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویند.

۱. فصلت/۳۰

۲. سبأ/۱۰

وسواسی؛ قاتل خود و دیگران

وسواسی باید به این نکته نیز توجه داشته باشد، که وسواس یعنی خودکشی و آدم کشی. به راستی اگر کسی وسوسه‌ی فکری پیدا کند، تا سر حدّ جنون پیش می‌رود. اگر کسی وسوسه‌ی عملی در عبادتش، در طهارتش یا در نجاستش پیدا کند، دیگر طعم زندگی را نمی‌چشد، مرگ تدریجی برای او حاصل می‌شود و دنیا و آخرتش را از بین می‌برد. علاوه بر این، زندگی اطرافیانش را هم با مرگ یکسان می‌کند. و به تعبیر قرآن، اگر کسی دیگری را بکشد، مثل آن است که جهانی را کشته باشد:

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ

النَّاسَ جَمِيعًا^(۱)﴾

هر کس کسی را جز به قصاص قتل، یا به کیفر فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد.

شاید شما نیز شاهد بوده‌اید؛ بعضی اوقات وسواسی نه دنیا دارد، نه آخرت، نه خود زندگی دارد، نه برای کسی دیگر خوشی باقی می‌گذارد. در ظاهر زنده است، اما در واقع مرده‌ی متحرک است. مسبب آن هم جز خودش کسی نیست. همانطور که خودکشی مثل آدم کشی عاقبتش جهنم است، وسواسی هم اگر دست از رویه‌اش بر ندارد، عاقبتش همین است. وسواسی نباید از کنار این آیات به سادگی عبور کند.

بینید شیطان از راه عبادت انسان را به کجا می‌کشاند. خدا نکند انسان آلت

دست شیطان شود. گاهی او را به بی عفتی و بی غیرتی می‌کشاند و گاهی به وسواس. گاهی از راه گناه و گاهی از راه عبادت انسان را فریب می‌دهد. هر دو کار شیطان است و عاقبت هر دو هم جز جهنم نیست.

وسواس؛ نوعی سفاقت

در روایتی از عبد الله بن سنان آمده است که می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام در مورد مردی که در وضو و نمازش دچار وسواس بود، صحبت کردم و گفتم: با این حال، مرد عاقلی است.

امام علیه السلام فرمودند: این چه عقلی است که با وجود آن، از شیطان پیروی می‌کند؟

پرسیدم: چگونه فرمان شیطان می‌برد؟

امام علیه السلام فرمودند: از او بپرس وسوسه‌ای که به او دست می‌دهد، از چیست؟ قطعاً به تو خواهد گفت: از عمل شیطان است^(۱).

اصلاً نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وسواسی عاقل نیست، بلکه سفیه است. و حقیقتاً هم چنین است. به راستی، شیطان روی عقل او اثر می‌گذارد. اگر خودش از اعمال خودش فیلم‌برداری کند، می‌فهمد چه کرده است. می‌فهمد که این

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ وَ قُلْتُ هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ فَقَالَ سَلُهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ هُوَ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ. *الكافي*، ج ۱، ص ۱۲

عمل او، آن چیزی نیست که اسلام از او خواسته است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا

اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^(۱)﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش در هیچ کاری پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست.

ای مسلمان، دیگر کاسه‌ی داغ‌تر از آتش نشو. در اعمالت بین خدا و پیامبر ﷺ چه گفته‌اند. در عزاداری بین مرجع تقلید چه می‌گوید، طبق آن عمل کن. در طهارت و نجاست بین رساله چه می‌گوید، همان طور عمل کن. در نماز، در روزه، در خمس و در زکات بین مرجع تقلید چه می‌گوید، بر اساس آن عمل کن. وسواسی‌گری یعنی - نعوذ بالله - من بهتر از پیامبر ﷺ می‌دانم. وسواسی یعنی من بهتر از مراجع تقلید، احکام فقهی را می‌شناسم. معلوم است که غلط است. همین امر باعث شده است که امروزه در برخی از مراسم‌های مربوط به ایام ولادت یا شهادت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) - با آن همه ارزش و معنویتی که دارد- اعمال خلاف شأن و غیر متعارفی انجام شود که مورد تأیید نبوده و مرضی آن ذوات مقدس نیز نمی‌باشد.

قرآن می‌فرماید: همه‌ی این‌ها غلط است. به وسواسی می‌گوید: بین خدا و پیامبر ﷺ چه می‌فرمایند. و راه فهمیدن حکم اسلام نیز مراجعه به مراجع تقلید است. مراجع تقلید هم در رساله‌ها نوشته‌اند: اگر کسی سه مرتبه شک

کرد، در مرتبه‌ی چهارم دیگر به آن اعتنا نکند؛ بنا را بر همان قرار دهد که به نفع اوست. همچنین آنان فتوا داده اند که شک و ظن و قطع و یقین و سواسی اعتبار ندارد و باید به طور متعارف عمل کند، یعنی مانند بقیه مردم باشد. غیر از این دیگر سفاقت است. قرآن می‌فرماید: مقام حضرت ابراهیم علیه السلام خیلی بالاست؛ چون صد در صد در مقابل خداوند تسلیم بود:

﴿وَمَنْ يَرْغُبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلَمْ قَالَ أَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^(۲)﴾

و چه کسی جز سفيه، از آیین ابراهیم روی بر می‌تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم؛ و البته در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود. هنگامی که پروردگارش به او فرمود: «تسلیم شو»، گفت: «به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.»

این دو آیه‌ی شریفه به ما می‌فرماید: باید در مقابل خداوند متعال تسلیم باشیم و گرنه سفيه هستیم. با اعمال من درآوری که نمی‌توان راه پیش برد. عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن بدون نشانه‌ای آشکار و امام هدایت می‌مانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آن که دعای غریق را بخواند. گفتیم: دعای غریق چگونه است؟

۱. حجرات/۱

۲. بقره/۱۳۰-۱۳۱

فرمودند: می‌گویی: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک».

من هم گفتم: «یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک»

امام علی(ع) فرمودند: خدای تعالی مقلب القلوب و الأبصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک^(۱)».

امام علی(ع) حتی اجازه نداده‌اند یک کلمه از خودمان به فرمایش آنان اضافه کنیم، هر چند آن کلمه معنای جمله را هم خراب نمی‌کند. در اعمال هم باید این گونه از آن بزرگواران تبعیت کنیم. مراجع تقلید با استناد به روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌گویند: اگر چیزی نجس شد، پس از رفع عین نجاست، اگر یک مرتبه آن را زیر آب بگیرید، پاک می‌شود. حال، اگر کسی چندین مرتبه این کار را تکرار کند و باز هم بگوید: نشد، این انحراف از مسیری است که معصومین علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند. و حیف است کسی به خاطر عبادت به جهنم برود. حداقل کسی که به دلیل عیش و نوش و کارهای زشت

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَنَبْقُونَ بِهَا عِلْمَ يُرَى وَلَا إِمَامَ هُدًى لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (كمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۱)

و اختلاط زن و مرد و امثال این‌ها به جهنم می‌رود، لذتی در این دنیا برده است، اما وسواسی نه از دنیایش لذتی می‌بیند و نه از آخرتش. در دنیا هم خود و هم دیگران را به زحمت می‌اندازد، در آخرت هم که مستحق عذاب الهی است. بنابراین وسواسی‌ها باید همیشه این آیه‌ی شریفه مدّ نظرشان باشد که می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش در هیچ کاری پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست.^۱

درمان وسواس

این سؤال همواره در مبحث وسواس مطرح می‌شود که وسواسی چه باید بکند که دردش درمان شود؟ هر چند بیماری وسواس، بیماری سختی است و روان پزشکان معالجه‌ی را آن مشکل می‌دانند، اما اگر وسواسی به توصیه‌هایی که ذیلاً بیان می‌شود کاملاً و صد در صد عمل کند، حتماً نجات خواهد یافت و بهبودی و سلامتی او با یک برنامه‌ی چند ماهه قابل تضمین است و ریشه‌ی این درد به طور کلی ناپود خواهد شد. شرط اساسی در این معالجه حرف شنوی و تبعیت بیمار وسواسی است. یکی از لوازم این درد همین است که شخص وسواسی لجوج و یک دنده می‌شود. و چنانچه دست از لجبازی بردارد، مطمئن باشد که بیماری او قابل درمان است.

مواردی که در درمان وسواس توصیه می‌شود به شرح ذیل است:

۱. دعا و توسل

اولین سفارش برای درمان این بیماری، دعا، توسل و رابطه با خدا، برای رفع این صفت رذیله است. پروردگار عالم در قرآن می‌فرماید: من معلّم اخلاق هستم. هیچ کس نمی‌تواند خودسازی کند، مگر آن که رحمت من شامل حال او شود تا موفق شود و ریشه‌ی صفات رذیله را در وجود خود نابود کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گام‌های شیطان منهنید، و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نهد، بداند که او به زشت‌کاری و ناپسند وا می‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی این خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خداست که شنوای داناست.

به فرموده‌ی قرآن، اگر فضل و رحمت خدا نباشد، هیچ کس نمی‌تواند درخت رذالت را از دل خود برکند و درخت فضیلت را به جای آن غرس و بارور کند. از نظر این آیه‌ی شریفه، وسواسی باید با رابطه با خدا، با دعا و راز و نیاز، از خدا بخواهد که این دردش را معالجه کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

﴿لَا يَتِمَّكُنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَقَدْ أَعْرَضَ عَنْ
ذِكْرِ اللَّهِ وَاسْتَهَانَ وَسَكَنَ إِلَى نَهْيِهِ وَنَسِيَ أَطْلَاعَهُ عَلَى
سِرِّهِ^(۱)﴾

شیطان موفق به وسوسه‌ی بنده‌ای نمی‌شود مگر آن گاه که از یاد خدا
روی بگرداند و آن را سبک بشمارد و در جایگاه نافرمانی خدا قرار
گیرد و فراموش کند که خدا بر پنهان او آگاه است.

و همه خصوصاً وسواسی‌ها توجه داشته باشند که از نظر قرآن، دعا منهای
توسّل ممکن نیست. بدون توسّل، دعای ما به جایی نمی‌رسد. قرآن در این
باره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا
فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^(۲)﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و
وسیله‌ای برای تقرب به او بجوئید و در راه او جهاد کنید، باشد که
رستگار شوید.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

﴿الْأُتَمَّةُ مِنَ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ
عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَهُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى

۱. مصباح الشریعة، ص ۷۹

۲. مائده/۳۵

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ^(۱)

ائمه علیهم السلام از فرزندان حسین علیه السلام می‌باشند. هر کس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کس آنها را نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. آنان حلقه و دستگیره‌ی محکم و وسیله برای تقرب به درگاه الهی هستند.

حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم بدون وسیله در خانه‌ی خدا نمی‌رفتند. در روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام آمده است:

﴿سَأَلْتُهُ مَرَّةً أَنْ يَدْعُوَ لِي بِالْمَغْفِرَةِ، فَقَالَ: أَفْعَلْ، ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى، فَلَمَّا رَفَعَ يَدَهُ لِلدُّعَاءِ اسْتَمَعْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَائِلٌ: اللَّهُمَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ عِنْدَكَ اغْفِرْ لِعَلِيٍّ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذَا؟ فَقَالَ: أَوَاحِدٌ أَكْرَمُ مِنْكَ عَلَيْهِ فَاسْتَشْفَعُ بِهِ إِلَيْهِ؟﴾^(۲)

یکبار از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستم تا برایم طلب مغفرت کند. پذیرفت و سپس به نماز ایستاد. وقتی دستش را برای دعا بالا برد، گوش فرا دادم؛ می‌گفت: خداوندا، به حق علی نزد خودت، او را ببامرز. گفتم: این چگونه دعایی بود؟ فرمود: آیا کسی گرامی‌تر از تو نزد خداوند هست که به واسطه‌ی او طلب شفاعت کنم؟

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توسل به در خانه‌ی خدا می‌روند، ما نیز باید از ایشان الگو بگیریم. هر کسی صفت رذیله‌ای دارد و از خدا رفع آن را می‌خواهد، هر

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۸

۲. شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۱۶

کسی گناه کار است و از خدا آمرزش گناهانش را می خواهد، باید با وسیله یعنی با چهارده معصوم علیهم السلام به در خانه ی خدا برود. وسواسی هم از این امر مستثنا نیست. باید از عمق جان با توسل به اهل بیت علیهم السلام، خدا کند تا پروردگار عالم به فریادش برسد.

۲. کمک گرفتن از نماز

مطلب دیگری که از قرآن استفاده می کنیم، این است که از نماز اوّل وقت باید کمک گرفت. این آیه ی شریفه در قرآن دو بار تکرار شده:

﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^(۱)

از صبر و نماز یاری بجویید.

یعنی هم از صبر و استقامت و فعالیت خودتان کمک بگیرید، هم از ایجاد رابطه با پروردگار عالم تا به نتیجه برسید. لذاست که وقتی سختی ای برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله پیش می آمد، آنان را به نماز امر می کردند^(۲).

و همین جا به همه، مخصوصاً جوانان سفارش می شود که اگر در کارهایتان به مشکلی بر خوردید، به نماز اوّل وقت متوسّل شوید. حتماً در مسجد، با جماعت، با تعقیبات و با حضور قلب بخوانید که فوق العاده مؤثر است. اگر

۱. بقره / ۴۵ و ۱۵۳

۲. عن يوسف بن عبد الله بن سلام أن النبي صلی الله علیه و آله كان إذا نزل بأهله شدة أمرهم بالصلاة ثم قرأ ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾. (مسکن الفوائد عند فقد الأحمية و الأولاد، ص ۵۰)

حضور قلب به معنای واقعی هم برایتان ممکن نیست، لا اقل در ظاهر نماز با ادب باشید. این دیگر حداقل چیزی است که باید باشد. اگر می‌خواهید در زندگی دنیایتان به فریادتان برسند، اگر می‌خواهید دم مرگ تنهایتان نگذارند، اگر می‌خواهید شب اول قبر ملائکه‌ی رحمت در کنارتان باشند، به نماز اهمیّت بدهید. گر چه بحث الآن ما در مورد وسواسی است، امّا همه‌ی ما باید توجه داشته باشیم که در وجودمان صفات رذیله داریم. چه کسی می‌تواند بگوید: من حسود نیستم؟ چه کسی می‌تواند بگوید: من پول پرست و ریاست طلب نیستم؟ چه کسی می‌تواند بگوید: من بخیل نیستم؟ چه کسی می‌تواند بگوید: من خود خواه و خود محور نیستم؟ ریشه کن کردن این صفات رذیله‌ی کمر شکن، این صفات رذیله‌ای که دنیا و آخرت انسان را نابود می‌کند، بسیار مشکل است، امّا مقابله با این رذایل بوسیله دعا و راز و نیاز با خدا، با توسّل و با نماز اول وقت میسر است.

۳. تقوا و اجتناب از گناه

مطلب سوم تقوا و اجتناب از گناه است. اجتناب از گناه انسان را به مقامات والایی می‌رساند. علمای علم اخلاق می‌گویند: اگر کسی بخواهد صفت رذیله‌ای را رفع کند، قبل از تخلیه و تخلیه باید تقوا داشته باشد. مراحل خودسازی را این طور می‌شمارند: یقظه، توبه، تقوا، تخلیه و تخلیه و پس از آن تجلیه است که منجر به فناء یا لقای پروردگار می‌شود.

۴. بی اعتنایی

مطلب دیگری که دوش به دوش همین مطالب است و اهمیت فوق العاده‌ای دارد و بدون آن، دعا و توسل و سایر راهکارها فایده‌ای ندارد، تلاش و فعالیت خود و سواسی است. و کاری هم که باید در این جهت انجام دهد، مبارزه‌ی منفی، یعنی بی اعتنایی است؛ بی اعتنایی نمودن به آن چه تخیلش می‌گوید، بی اعتنایی به آن چه شیطان درون و شیطان برونش از او می‌خواهد. این بی‌اعتنایی و سوسه را از بین می‌برد. اگر در طهارت و نجاست دچار و سواس است، باید نسبت به این موضوع بی اعتنا شود. مثلاً اگر دست او نجس شد، همین مقدار که زیر آب برد یا زیر شیر گرفت، آن را پاک بداند و شستشو را ادامه ندهد.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

﴿إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فَاْمُضْ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ

يَدْعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ^(۱)﴾

هنگامی که شک تو در نماز زیاد شد، به نمازت ادامه بده و به شکت اعتنا مکن؛ زیرا با این کار امید است که شک از تو دست بر دارد. همانا شک از جانب شیطان است.

و در روایت دیگری، امام معصوم علیه السلام می‌فرمایند:

﴿لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِنَقْضِ الصَّلَاةِ فَتَطْمَعُوهُ فَإِنَّ

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۵۹؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۹؛ تهذیب الأحکام،

ج ۲، ص ۳۴۳

الشَّيْطَانُ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوذَ فَلْيَمْنُصْ أَحَدُكُمْ فِي الْوُحْمِ وَلَا
يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ
الشُّكُّ إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا غَضِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَى
أَحَدِكُمْ^(۱) ﴿﴾

شیطان خبیث را به شکستن نمازتان عادت ندهید، چون او را بر این
کار حریص می‌کنید، همانا شیطان خبیث به آن چه تکرار شود، معتاد
می‌گردد. پس هر یک از شما به شکش اعتنا نکند و نماز را زیاد
نشد. پس اگر کسی چندین مرتبه این گونه عمل کند، دیگر شک
به سوی او باز نمی‌گردد. همانا شیطان خبیث، مایل است که از او
اطاعت شود، پس اگر از امر او سرپیچی شود، به سوی هیچ یک از
شما باز نمی‌گردد.

و همین جا لازم است به کسانی که دچار این درد هستند، تذکر داده شود که
اگر به وسواس خود بی‌اعتنایی نکنید، به مشکلات بدتر مبتلا می‌شوید. روزی
یک مادر گریه‌کنان همراه دخترش به نزد من آمدند، آن مادر می‌گفت: این
وقتی دستشویی می‌رود، حداقل چهار ساعت طول می‌کشد! ما باید با کتک او
را بیرون بیاوریم. وقتی هم می‌خواهد نماز بخواند، سه چهار ساعت طول
می‌کشد و در آخر هم نمی‌تواند نماز بخواند. خدا نکند کسی به این جا برسد.
حال این دختر خانم چه باید بکند؟ خیلی آسان است؛ وقتی کارش در
دستشویی تمام شد، خود را در مدت یک دقیقه بشوید و از دستشویی خارج

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۵۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۸۸

شود. اگر هم می‌گوید: نجس است، باید بداند که این شیطان درون اوست که می‌گوید: پاک نشد.

کسانی هم که در غسل کردن وسواسی هستند، باید همین طور عمل کنند. وسواسی اگر غسلش بیش از پنج دقیقه طول کشید، گناه کرده است؛ گناهش هم خیلی بزرگ است. معنا ندارد چند ساعت برای یک غسل پنج دقیقه‌ای معطل شود. باور کنید غسل ائمه‌ی اطهار، غسل مراجع تقلید بیش از این طول نمی‌کشد.

هیچ وقت فراموش نمی‌کنم استاد بزرگوار ما، مرحوم آیه الله العظمی محقق داماد رحمه الله نقل می‌کردند: یکی از روحانیون سر حوض مدرسه‌ی فیضیه با خودش کلنجار می‌رفت؛ یعنی یک مقدار وضویش را طول می‌داد. مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبد‌الکریم حائری رحمه الله این صحنه را دیدند. جمله‌ای در گوشش گفتند و رفتند.

آیه الله داماد رحمه الله می‌گفتند: این فرد دیگر تا عمر داشت، برای وضو گرفتن سر حوض مدرسه دیده نشد. بعداً از او پرسیدم: حاج شیخ چه گفت؟

گفت: مرحوم حاج شیخ عبدالکریم گفت: اگر مردم این وضو را از تو یاد بگیرند و خیال کنند وضوی اسلام این است، در روز قیامت چه جوابی داری؟ و چنانکه نقل کرده‌اند خود مرحوم آیت الله العظمی حائری وقتی برای وضو گرفتن سر حوض می‌آمدند، یک مشت آب به صورت می‌زدند، یک مشت آب به دست راست و یک مشت آب به دست چپ و مسح سر و پاها را می‌کشیدند و می‌رفتند زیر کتابخانه‌ی مدرسه‌ی فیضیه و نماز می‌خواندند؛

یعنی وضوی ایشان یک دقیقه بیشتر طول نمی کشید. این وضوی یک مرجع تقلید است. وضویی که اسلام از ما خواسته، غیر از این نیست.

در طهارت و نجاست هم همین است. به صرف احتمال طهارت، از ما خواسته‌اند که بنا را بر طهارت قرار دهیم. حتی اگر کسی با نگاه کردن به لباسش می‌فهمد نجس است یا پاک، فرموده‌اند: اگر می‌خواهی رفع شکّ کنی، بکن، اما حکم اسلام این است که چنین کاری لازم نیست.

معمولاً وقتی برف یا باران بیاید برای وسواسی‌ها و حتی انسان‌های متعارف، راه رفتن در کوچه‌ها سخت است. وسواسی‌ها که نجس می‌دانند، برای انسان‌های متعارف هم سخت است که با ترشحات باران و گل‌ها نماز بخوانند، اما مراجع تقلید همیشه مقید بودندند که به مردم نشان بدهند با همین گل‌ها هم نماز صحیح است. حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله مقید بودند به طلاب بنمایانند که با این گل کوچه‌ها می‌توان نماز خواند و نماز می‌خواندند. مراجع بزرگ در مدرسه‌ی فیضیه با همین گل‌ها نماز می‌خواندند. خود من حضرت امام خمینی رحمته الله را دیدم که مقید بودند با همین گل‌ها و ترشحات، نماز بخوانند. حتی برای من نقل کردند که روزی عمامه‌ی مرحوم مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حضرت آیت الله العظمی حائری رحمته الله در سخن حَمّام عمومی افتاد و ایشان عمامه را برداشتند و بر سر گذاشتند.

وسواسی هم باید همین طور باشد، باید بی‌اعتنایی کند. اگر مدّتی این‌طور عمل کند، مطمئن باشد که دردش درمان خواهد شد.

همه‌ی شما می‌دانید، فقها در رساله‌ها نوشته‌اند که شکّ کثیر الشکّ اعتبار

ندارد؛ یعنی اگر شما یک مرتبه یا دو مرتبه در نماز مغرب بین یک و دو شکّ کردید، نمازتان باطل است. اما اگر باز این شکّ شما تکرار شد و به بار سوم رسید، دیگر به آن اعتنا نکنید؛ معنایش این است که باید بنا را بر آن چه به نفع شماست بگذارید. مثلاً اگر در نماز مغرب بین دو و سه شکّ کردید، بنا را بر سه بگذارید و نماز را تمام کنید. این مسأله اختلافی هم نیست؛ همه‌ی فقها این طور می‌گویند. حتّی فقها می‌فرمایند: وقتی به این حالت رسید، دیگر شک در نماز دو رکعتی و چهار رکعتی فرقی ندارد، هر شکّی که باشد، چه از نظر فقهی صحیح باشد یا فاسد، نباید اعتنا کند. و این بیان فقها از روایات اهل بیت علیهم‌السلام گرفته شده است.^(۱)

این سخن اهل بیت علیهم‌السلام، در طهارت و نجاست هم می‌آید. یعنی همین طور که شکّ کثیر الشکّ در نماز اعتبار ندارد، شکّ کثیر الشکّ در وضو و غسل و طهارت و نجاست هم اعتبار ندارد. حتّی فقها گفته‌اند: قطع وسواسی حجّت نیست، چه رسد به ظنّ یا شکّ او. این جمله‌ی «لا اعتبار بعلم الوسواسی فی الطهارة و النجاسة»^(۲) در عروة‌الوثقی آمده است و بسیاری از مراجع هم آن را تایید کرده‌اند. زیرا یقین وسواسی، یقین نیست؛ تخیّل و توهم است. یعنی اگر وسواسی یقین به نجاست هم داشت، یقینش حجّت نیست، چه رسد به ظنّ و شکّ او. باید ببیند عرف مردم چطور عمل می‌کنند؛ او هم همان طور عمل

۱. ن.ک: تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۸، باب ۱۶ از

أبواب الخلل الواقع في الصلاة، صص ۲۲۷ - ۲۲۹

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۵۱

کند. زیرا ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام فرمودند: شکّ کثیر الشک اعتبار ندارد. بعد هم تعیین مصداق کرده‌اند که با سه بار شکّ پشت سر هم، کثرت شکّ تحقق می‌یابد^(۱). آن بزرگواران می‌خواهند با بی‌اعتنایی، این حالت خطرناک درمان شود. در سایر شک‌ها هم همین طور است. اسلام این بی‌اعتنایی را می‌خواهد. باید در هر چه وسوسه دارد، حق الله باشد یا حق الناس، کارهای عادی باشد یا کارهای عبادی، همین رویه را در پیش بگیرد. راه ایستادگی در مقابل این حالت خطرناک، مبارزه‌ی منفی است.

استاد بزرگوار ما مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته‌الله می‌فرمودند: من در اصفهان نزد مرحوم آیت الله العظمی میرزا ابوالمعالی کلباسی رحمته‌الله در مسجد حکیم درس می‌خواندم. به ایشان گفته بودند که من به وقت نماز، دیر یقین پیدا می‌کنم و ایشان متوجه شدند که من در معرض آن هستم که در این مورد وسواسی شوم. بنابراین یک روز ظهر در مسجد حکیم بعد از اتمام درس، به من گفتند: آقا حسین، اذان می‌گویند، برخیز و نماز بخوان. آقای بروجردی می‌فرمودند: من یک مقدار صبر کردم و حرف ایشان را نشنیده گرفتم.

دوباره فرمودند: آقا حسین، پا شو و بگو چهار رکعت نماز باطل بجا می‌آورم قربة الی الله.

۱. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام : إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مِمَّنْ يَسْهُو فِي كُلِّ ثَلَاثٍ فَهُوَ مِمَّنْ كَثُرَ عَلَيْهِ السَّهْوُ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۹)

چقدر حرف خوبی است! وسواسی باید چنین باشد. اگر وسوسه در وقت دارد، وقتی مؤذن می‌گوید: الله اکبر، نماز را شروع کند. اگر وسوسه در نجاست دارد، همان وقتی که دستش را زیر آب برد یا زیر شیر آب گرفت، دیگر کنار برود. اگر شک دارد یا حتی ظنّ یا یقین دارد که هنوز نجس است، بگوید پاک است. در عرض پنج دقیقه غسل کند؛ اگر یقین پیدا نکرد، بگوید: می‌خواهم جنب باشم، می‌خواهم نجس باشم و با همان حال از حمام بیرون بیاید، توجّه نکند و مشغول نماز شود. و خلاصه، هر کاری که مردم می‌کنند، او هم بکند. مطمئن باشد، یک ماه طول نمی‌کشد که این درد، درمان می‌شود.

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که استاد بزرگوار ما آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله در بحث‌های فقهی بارها این روایت را می‌خواندند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

﴿مَا أَبَالِي أَوْ بَوْلُ أَصَابَنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ^(۱)﴾

باکی ندارم از این که به من بول باشد یا آب، وقتی که نمی‌دانم.

همین مقدار که نمی‌دانم پاک است یا نجس، یعنی برای من پاک است، هر چند در واقع نجس باشد. این قاعده‌ی «طهارت» بسیاری از امور را برای ما راحت کرده است. و همین طور قاعده‌ی «حل» که وقتی نمی‌دانیم فلان چیز حلال است یا حرام، بنا را بر حلال بودن آن بگذاریم. اسلام این قواعد را به این دلیل وضع کرده است که ما وسواسی نشویم.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص

یکی از بدبختی‌هایی که وسواسی دارد، این است که همه را جز خودش نجس می‌داند؛ معلوم است که این کار شیطان است. اگر قدری دقیق‌تر نگاه کنیم، معنایش این است که همه جز خودش را جهنمی می‌داند؛ اتفاقاً اگر دست از این کار زشتش بر ندارد خودش زودتر از دیگران به جهنم می‌رود. خلاصه همه‌ی فقها می‌گویند: شکاک و وسواسی باید با بی‌اعتنایی دست از کارهایش بردارد.

شخصی به خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد و در مورد خوردن پنیر سؤال کرد. حضرت فهمیدند که این شخص وسواسی است. پولی به غلامشان دادند و فرمودند: برو پنیر بخر و بیاور. غلام هم پنیر را آورد و حضرت از آن خوردند. دوباره آن شخص در مورد پنیر سؤال کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مگر ندیدی آن را خوردم؟

گفت: دیدم اما دوست دارم از خودتان بشنوم!

حضرت فرمودند: در مورد پنیر و غیر آن به تو می‌گویم که هر چه که در آن حلال و حرامی بود، بر تو حلال است تا آن که مورد حرام را به طور مشخص شناسی، در آن صورت بر تو حرام است و ترکش واجب^(۱).

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْجُبْنِ فَقَالَ لِي لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ طَعَامٍ يُعْجَبُنِي ثُمَّ أُعْطِيَ الْغُلَامُ دِرْهَمًا فَقَالَ يَا غُلَامُ ابْتَغِ لَنَا جُبْنًا وَدَعَا بِالْغَدَاءِ فَتَغَدَّيْنَا مَعَهُ وَآتَانِي بِالْجُبْنِ فَأَكَلَ وَأَكَلْنَا مَعَهُ فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الْغَدَاءِ قُلْتُ لَهُ مَا تَقُولُ فِي الْجُبْنِ فَقَالَ لِي أَوْ لَمْ تَرِنِي أَكَلْتُهُ قُلْتُ بَلَى وَلَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ

در روایت دیگری، راوی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: دماغم خون افتاده و نمی‌دانم به لباس‌هایم ریخته است یا نه.

حضرت فرمودند: قبلاً به طهارت لباست یقین داشتی و حال شک داری که نجس شده یا نه؛ پس یقینت را با شک نقض نکن.

باز می‌پرسد: یابن رسول الله، آیا لازم است تفحص کنم و ببینم لباسم نجس شده یا نه؟

امام علیه السلام فرمودند: لازم نیست نگاه کنی ^(۱).

﴿أَسْمَعُ مِنْكَ فَقَالَ سَأُخْبِرُكَ عَنِ الْجُبْنِ وَغَيْرِهِ كُلِّ مَا كَانَ فِيهِ حَلَالٌ وَحَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ بَعَيْنِهِ فَتَدَعِهِ. (الكافي، ج ۶، ص ۳۳۹)﴾

۱. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ أَصَابَ ثَوْبِي دُمُ رُعَافٍ أَوْ غَيْرُهُ أَوْ شَيْءٌ مِنْ مَنِيٍّ فَعَلِمْتُ أَثَرَهُ إِلَى أَنْ أَصِيبَ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَأَصَبْتُ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَنَسِيتُ أَنْ أَبْشُوِي شَيْئاً وَصَلَّيْتُ ثُمَّ إِنِّي ذَكَرْتُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ تُعِيدُ الصَّلَاةَ وَتَغْسِلُهُ قُلْتُ فَإِنِّي لَمْ أَكُنْ رَأَيْتُ مَوْضِعَهُ وَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ فَطَلَبْتُهُ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَيْهِ فَلَمَّا صَلَّيْتُ وَجَدْتُهُ قَالَ تَغْسِلُهُ وَتُعِيدُ قُلْتُ فَإِنْ ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَ لَمْ أَتَيَقِّنْ ذَلِكَ فَتَطَوَّرْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئاً ثُمَّ صَلَّيْتُ فَرَأَيْتُ فِيهِ قَالَ تَغْسِلُهُ وَ لَا تُعِيدُ الصَّلَاةَ قُلْتُ لَمْ ذَلِكَ قَالَ لَأَنْكَ كُنْتَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ ثُمَّ شَكَّكَتَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَتَفَضَّ الِيقِينَ بِالشَّكِّ أَبَدًا قُلْتُ فَإِنِّي قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهُ وَ لَمْ أَذَرِ أَيْنَ هُوَ فَأَغْسَلُهُ قَالَ تَغْسِلُ مِنْ ثَوْبِكَ النَّاحِيَةَ الَّتِي تَرَى أَنَّهُ قَدْ أَصَابَهَا حَتَّى تَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ طَهَارَتِكَ قُلْتُ فَهَلْ عَلَيَّ إِنْ شَكَّكَتَ فِي أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَنْ أَنْظُرَ فِيهِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّكَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ الشَّكُّ الَّذِي وَقَعَ فِي نَفْسِكَ قُلْتُ إِنْ رَأَيْتُهُ فِي ثَوْبِي وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ قَالَ تَتَفَضُّ الصَّلَاةَ وَ تُعِيدُ إِذَا شَكَّكَتَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهُ ثُمَّ رَأَيْتُهُ وَ إِنْ لَمْ تَشْكُ ثُمَّ رَأَيْتُهُ رَطْبًا قَطَعْتَ الصَّلَاةَ وَ غَسَلْتَهُ ثُمَّ ﴿

وقتی خود اسلام تا این حد ساده گرفته است و احتمال طهارت را کافی می‌داند، دیگر وسواس چه معنا دارد؟ حتی اگر کسی با تفحص یقین به نجاست پیدا کند، باز هم لازم نیست خود را به دردرسر بیاندازد. جمله معروفی را از مرحوم آیت الله سید محمد باقر درچه‌ای رحمته الله نقل کرده‌اند که می‌فرمایند: «اسلام با قاعده‌ی طهارت روزی یک تن نجاست به خورد مردم می‌دهد.»

وقتی خود اسلام اجازه داده، دیگر کاسه‌ی داغ‌تر از آتش شدن معنا ندارد. اسلام سخت‌گیری در این مسائل را جایز نمی‌داند. اسلام دین سهل و آسان گیر است^(۱) و اگر ما به عنوان وسواس بر خودمان سخت بگیریم، این مقدم دانستن خود بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی طاهرين علیهم السلام و مراجع تقلید است. اسلام قاعده‌ی طهارت دارد. حالا نجاست می‌خوریم، خوب بخوریم، اسلام می‌گوید: من می‌خواهم ساده بگیرم، نمی‌خواهم تو در مشقت بیفتی. تو مراعات کن حرام واقعی نخوری، دیگر شبهه‌ناک خوردن اشکالی ندارد. با

«بَنَيْتَ عَلَى الصَّلَاةِ لَأَنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّهُ شَيْءٌ أَوْقَعَ عَلَيْكَ فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ». (تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۴۲۱)

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ عُمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عُمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُغَضَّباً يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ حَتَّى جَاءَ إِلَى عُمَانَ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي فَأَنْصَرَفَ عُمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ يَا عُمَانُ لِمَ يُرْسِلُنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعْنِي بِالْخَنِيفَةِ السَّهْلَةِ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شبهه‌اش را رفع کن. و حقیقتاً اگر نداند نجس است یا پاک، نداند حرام است یا حلال، با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌تواند شبهه‌اش را برطرف کند.

در مورد سایر صفات رذیله هم همین طور است. انسان حسود وقتی حسادتش شعله‌ور می‌شود، چه می‌کند؟ غیبت می‌کند، زخم زبان می‌زند و بالاخره عکس العمل نشان می‌دهد. حال، اگر عکس العمل نشان ندهد و با این حسادت مبارزه‌ی منفی کند، به جای غیبت از او تعریف و تمجید کند، به جای زخم زبان زدن در مقابلش تواضع کند، کم کم این مبارزه‌ی منفی حسد را کم‌رنگ می‌کند و در نهایت آن را از بین می‌برد.

وسواس هم مثل حسادت است. ریشه کن کردن آن مشکل است، اما اگر به این توصیه‌ها، خوب عمل کند، کار آسان می‌شود و مهم‌تر از همه همین بی‌اعتنایی است.

۵. انتخاب الگو

نکته‌ی دیگری که باید وسواسی مراعات کند، انتخاب الگو است، البته الگویی که خود دچار این مشکل نباشد. مثلاً اگر زن وسواسی است، الگوی او شوهرش باشد. اگر شوهر گفت: پاک است، بگوید: پاک است و اگر او گفت: نجس است، بگوید: نجس است. اگر دختر وسواسی است، مادرش را الگوی

السَّمْحَةُ أَصْوَمُ وَأَصْلَى وَالْمِسُّ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنْ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ. (الكافي، ج ۵، ص ۴۹۴)

خود قرار دهد و هر چه این الگو گفت، تسلیم باشد.

عرف مردم را الگوی خود قرار دهد. وسواسی باید مثل متعارف مردم باشد. هر کاری که آنان می‌کنند، او هم بکند. اگر کار وسواسی را یک مقدار ریشه‌یابی کنیم، به این جا می‌رسیم که از نظر وسواسی همه جز خودش نجس هستند، نماز همه جز نماز او باطل است، همه به جز او به جهنم می‌روند. در حالی که وسواسی باید این طور فکر کند که عمل همه صحیح است و عمل او غلط. و اوست که باید از بقیه الگو بگیرد؛ چون وسواسی غیر متعارف است و باید متعارف شود.

در کنار نگاه به الگو، باید از یک نفر مسأله‌دان هم مسائل شرعی خود را بپرسد. آدم وسواسی حق ندارد از دو نفر مسأله بپرسد. حتی حق ندارد رساله مطالعه کند؛ از دو نفر و سه نفر پرسیدن برای او حرام است. همین که در پرسیدن از این و آن هم وسوسه به خرج بدهد، باز کار را مشکل کرده است. پس چه باید بکند؟ باید از یک نفر که مسأله‌دان است، بپرسد. در ضمن بگوید: من وسواسی‌ام، و اگر نگوید، طور دیگری برای او مسأله گفته می‌شود. مثل مریضی که نزد دکتر می‌رود، موظف است پزشک را از حالات خود مطلع کند. وسواسی هم باید وضعیت خود را برای فردی که از او مسأله می‌پرسد، بیان کند. بگوید: وسواسی‌ام، غیر متعارفم. حالا اگر نمی‌تواند بگوید: وسواسی‌ام، بگوید: من محتاطم و ادب به خرج بدهد. معمولاً وسواسی‌ها زیر بار گفتن این جمله که: وسواسی هستیم، نمی‌روند. اما، اگر کمی دلش درد بگیرد، به دکتر می‌گوید، هر چند، وسواس، خود و خانواده‌اش را با مشکلات

فراوانی مواجه ساخته است، باز هم حاضر نیست بگوید: من وسواسی هستم.

۶. تلقین

تلقین در زندگی نقش بسیار مؤثری دارد و مقصود ما از تلقین در این جا این است که وسواسی باید به طور جدّ، با خود حرف بزند و بگوید که من وسواسی هستم و این، درد بزرگی است، باید این درد را درمان کنم، باید مثل متعارف مردم باشم، باید لجبازی را کنار بگذارم، باید بی اعتنا باشم و بالاخره نباید دنباله‌روی شیطان باشم. مرتب تکرار کند که وسواس از شیطان است، نه اسلام. خلاصه، مرتب با زبان، این موارد را به خود تلقین کند، چنان که در وقت عمل هم به خود تحمیل می‌کند. این تحمیل‌ها در ابتدا مشکل است، اما با تلقین کم کم آسان می‌شود.

۷. مراقبه

مهم‌تر از همه‌ی آنچه گفته شد این است که وسواسی باید اهل «مراقبه» باشد. علمای علم اخلاق در مورد قانون «مراقبه» بسیار پافشاری دارند. و این قانون مراقبه نه فقط برای وسواسی مفید است، که برای درمان همه‌ی صفات رذیله چاره‌ساز است. این قانون سه مرحله دارد.

در ابتدا باید با خود، مشارطه کند؛ یعنی هر روز صبح یکی از تعقیب‌های نمازش این باشد که با خود شرط کند که امروز از شیطان درونش متابعت نکند و به وسوسه‌های آن بی اعتنا باشد.

در مرحله‌ی بعد، در طول روز مراقب خود باشد که به شرطی که با خود کرده، وفادار بماند. از این رو به قانون، قانون «مراقبه» می‌گویند، زیرا باید مراقب خود باشد، آن زمانی که وسوسه به سراغ او می‌آید، عملاً بی‌اعتنا باشد. همان عملی را انجام دهد که مرجع تقلیدش می‌گوید، همان چیزی که متعارف مردم انجام می‌دهند، نه آن چیزی که شیطان درونش به او دستور می‌دهد. البته ممکن است در طول روز بر خلاف عهدش عمل کند، اما توجه داشته باشد که سریع توبه کند و ناامید نشود و از میدان به در نرود. بار دیگر مشارطه کند، مقداری خودش را ملامت کند که چرا چنین شد؟ و تصمیم بگیرد که دوباره آن اتفاق نیفتد و باز تا شب مراقب خود باشد.

و در مرحله‌ی آخر، شب هنگام، وقت خواب با خودش محاسبه کند که زمین خورده است یا نه؟ وسوسه به سراغش آمده و او را زمین زده یا نه. اگر زمین نخورده است، جداً خدا را شاکر باشد. به سجده برود و با پروردگار عالم حرف بزند و از او تشکر کند. ولی اگر دید در طول روز زمین خورده، توبه کند و نفسش را ملامت کند که چرا شکست خورده است. و بدانید که این محاسبه بسیار مؤثر است. اسلام هم بسیار به آن سفارش کرده است. امام موسای کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

﴿لَيْسَ مِمَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا

اسْتَرَادَ اللَّهَ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ ^(۱)﴾

از ما نیست کسی که هر روز حساب خود را نکشد. اگر کار خوب کرده

است، از خدا فزونی آن را خواهد و اگر کار بد کرده است، از خدا
آمزش آن را خواهد و به سوی خداوند رجوع کند.

و هر روز این مراحل را تکرار کند تا - ان شاء الله - به مرور زمان، این مشکل
از ریشه درمان شود. به کسانی که دچار وسوسه‌ی فکری یا عملی هستند،
توصیه می‌شود این درد را از خود دفع کنند. هرچند در ابتدا ممکن است خیلی
اهمیت نداشته باشد، ولی اگر به فکر چاره نباشند، خواهند دید که مثل
سرطان نابودشان می‌کند. این بیماری بسیار خطرناک است؛ دنیا و آخرت
انسان را از بین می‌برد و از همه‌ی صفات رذیله بدتر است. صفات رذیله
دشمنان بزرگی برای انسان هستند. فرد حسود، به قول عوام حاضر است به
خاطر یک دستمال، قیصریه را به آتش بکشد، اما از همین حسد بدتر، وسوسه
است. دنیا پرستی خیلی بد است. بعضی اوقات می‌رسد به آن جا که حاضر
است دو ثلث جهان را نابود کند تا بر ثلث دیگر تسلط یابد. حاضر است نسل
حاضر را از میان بر دارد به این امید که بر نسل بعدی حکومت کند. اما باید
با کمال صراحت گفت: وسوسه از این صفت دنیاپرستی هم بدتر است؛ دنیای
انسان را از بین می‌برد، چنانکه آخرت انسان را هم از بین می‌برد و باعث تنفر
دیگران از انسان می‌شود. شاید شما هم فراوان دیده باشید که اطرافیان
وسواسی که تنفر عجیبی از آن شخص دارند. بچه‌ی دو سه ساله از مادرش
متنفر است. پسری که باید بازوی پدرش باشد، آرزوی مرگ او را می‌کند.
افراد جامعه مخصوصاً خویشان از او متنفر دارند. کم کم دچار عزلت و

گوشه‌نشینی می‌شود. وسواسی معمولاً افسرده و کسل است و به فرموده‌ی امام صادق (ع):

﴿إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾^(۱)

از رنجوری و افسردگی بپرهیز؛ زیرا این دو تو را از دست یافتن به نصیبت از دنیا و آخرت، باز می‌دارند.

معلوم است کسی که سه چهار ساعت مشغول یک نماز باشد، کم کم به جایی می‌رسد که دیگر نماز نمی‌خواند. شخصی به من می‌گفت: خانمی که لیسانس دارد و از نظر سواد دینی بسیار بالاست و قبلاً معلم قرآن بوده، حالا کارش به آن جا رسیده است که نماز نمی‌خواند! وقتی از او پرسیدیم: چرا نماز نمی‌خوانی؟ گفت: من نجسم و با نجاست نمی‌توان نماز خواند.

و همین خانم کارش به جایی رسیده که وقت غذا خوردن باید غذا را آب بکشد، بعد آن را بخورد؛ و این نوعی جنون است!

اگر این صفت رذیله‌ی این خانم را از حسادت و ریاست طلبی و خود پرستی بدتر بدانیم، اشتباه نکرده‌ایم. صفت رذیله هر چه باشد، خطرناک است. از این رو است که قرآن کریم بر تهذیب نفس پافشاری دارد. در سوره‌ی مبارکه‌ی «شمس» بعد از یازده مرتبه قسم خوردن - که در قرآن بی نظیر است - تأکید می‌فرماید:

۱. الکافی، ج ۵، ص ۸۵

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^(۱)

هر کس نفس خود را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً در باخت.

رستگار کسی است که صفت رذیله‌ای بر وجود او حکم‌فرما نباشد. شقی، بدبخت و بی بهره در دنیا و آخرت کسی است که صفت رذیله بر دل او حکم‌فرما باشد. این فرموده‌ی قرآن است. بر طبق آیات قرآن کریم و روایات فراوانی از اهل بیت علیهم‌السلام، خودسازی برای همه مخصوصاً جوانان امری لازم و ضروری است و نباید کسی بگذارد که صفت رذیله‌ای در وجودش رخنه کند؛ زیرا مانع رستگاری انسان است. این مطلب در مورد تمام صفات رذیله صادق است، اما بدتر از هر صفت رذیله‌ای، این حالت وسواسی‌گری است. بعضی اوقات انسان را آن چنان دچار بدبینی می‌کند که زندگی را به جهنم تبدیل می‌کند. این مطالب شوخی نیست؛ اتفاقاتی است که در جامعه‌ی ما تکرار می‌شود. خانمی آمده بود و می‌گفت: شوهر من وضعش به جایی رسیده است که مثلاً در خانه نشسته‌ایم غذا می‌خوریم، ناگهان فریاد می‌کشد. می‌گویم چه شده؟ چه خبر است؟ می‌گوید: این مرد که در کوچه سرفه کرد، رفیق تو بوده است!!

یا مرد نیم ساعت دیر به خانه آمده است، خامش شروع به متهم کردن او می‌نماید.

خدا نکند انسان دچار چنین حالاتی شود. باید در جهت رفع این صفات رذیله

تلاش کرد؛ پیر و جوان و زن و مرد هم نمی‌شناسد. «نمی‌شود» و «نمی‌توانم» گفتن هم حرام است. و گرنه وسواسی باید بداند که هم دنیایش جهنم است و هم آخرتش، هر چند گمان می‌کند با این کارهایش راه به سوی بهشت می‌برد اما باید بداند وسوسه‌گری کار شیطان است و مصداق این گفته‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمودند:

﴿اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لَأْمَرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً فَبَازَ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ فَكَرَبَ بِهِمُ الزَّلْزَلَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطْلَ^(۱)﴾

شیطان را پشتوانه‌ی خود گرفتند و او از آنان دام‌ها بافت، در سینه‌هاشان جای گرفت و در کنارشان پرورش یافت. پس آن چه می‌دیدند، شیطان به ایشان می‌نمود، و آن چه می‌گفتند سخن او بود. به راه خطاشان برد و زشت را در دیده‌ی آنان آراست.

و جداً این طور است؛ یعنی دید او دیگر دید شیطان است، گوشش گوش شیطان و زبانش سخن‌گوی شیطان. تخیل‌ها عجیب کار می‌کند. یک آدم ترسو وقتی به قبرستان برود، می‌بیند که مرده از قبر بیرون آمده و با کفنش ایستاده و همین که فرار می‌کند، مرده هم به دنبال او می‌دود. و واقعاً هم این صحنه‌ها را می‌بیند، اما با چشم شیطان.

بنابراین اشخاص وسواسی اولاً باید بدانند که بیمار هستند و فکر علاج خود

۱. نهج البلاغة، خطبه‌ی ۷، ص ۵۳

باشند و ثانیاً به مواردی که در خصوص علاج این بیماری خطرناک بیان شد،
جداً عمل کنند تا خداوند متعال آنان را شفا عنایت فرماید.



فصل دوم؛

احکام و استفتائات وسواس

- ⊙ احکام وسواس
- ⊙ استفتائات وسواس

احکام وسواس

﴿مسأله ۱﴾ یکی از مهلکات که مفاسدی بر آن مترتب می‌شود و غالباً گناہانی را در بر دارد، وسواس است، و چون وسوسه برای وسواسی یک رذیله است از نظر ما حرام و مبارزه با آن از اوجب واجبات است، و فرقی نیست که در طهارت و نجاست باشد یا در عبادات، در اعتقادات باشد یا در اعمال، در حقّ اللّٰه باشد یا در حقّ النّاس، در کارهای عبادی باشد یا در کارهای اجتماعی.

و خلاصه کلام اینکه حالت افراط‌گری و وسواسی در هر چه باشد، حرام و باید با آن مبارزه شود تا ریشه‌کن شود، و علامت آن این است که زیاد شک کند و یا زود یقین کند و از متعارف مردم در شک و یقین بیرون باشد، و همین مقدار که از حالت متوسط که در میان مردم در کارها متعارف است بیرون رفت و حالت افراط یا تفریط در کارها پیدا کرد، وسواسی است و باید دست از آن حالت بردارد، و بر طبق آن حالت عمل نکند.

﴿مسأله ۲﴾ برای رفع این رذیله چاره‌ای نیست جز بی‌اعتنایی به شک بلکه به یقین، و عمل کردن به آنچه بر نفع اوست و به آنچه متعارف میان مردم است.

مثلاً وسواسی در طهارت و نجاست اگر شک کرد بلکه یقین کرد که از زمین متنجس یا از عین نجس به او ترشح شده است، اعتنا نکند، و وسواسی در نماز اگر شک یا یقین کرد کلمه‌ای را غلط گفته و یا چیزی را کم یا زیاد کرده است، اعتنا نکند، و وسواسی در حقّ الناس اگر شک کرد که مدیون کسی است یا دین خود را ادا نکرده است، اعتنا نکند و وسواسی در کارهای اجتماعی اگر نمی‌تواند تصمیم بگیرد، فوراً یک طرف را انتخاب کند و به شک خود بلکه به یقین خود عمل نکند.

﴿مسأله ۳﴾ متنجس برای افراد وسواسی متنجس نیست، بنابراین مثل گِل‌ها و آب‌های در کوچه و برف‌های چند روز مانده در کوچه‌ها، گرچه یقین داشته باشد که برخورد با نجاست نموده است، برای او پاک است و می‌تواند با همان گِل‌ها و با همان کفش‌ها که به مستراح رفته است به مسجد برود، و با همان گِل‌ها که ترشح به لباس یا بدن او کرده است نماز بخواند، و با افراد لابیالی در طهارت و نجاست، گرچه یقین داشته باشد که آنها نجس هستند، معاشرت کند و از غذاهای آنها بخورد و حرام است که بعداً دست و دهان خود را آب بکشد.

﴿مسأله ۴﴾ برای وسواسی حرام است در چیزهایی که وسوسه او مربوط به آنها است دقت نماید، بلکه لازم است بدون فکر و بدون تجسس و بدون تفحص عمل کند، و به عبارت دیگر چنانکه گفته شد با بی‌اعتنایی کامل برخورد با این چیزها کند تا به گفته امام صادق علیه السلام شیطان دست از او بردارد.

استفتائات وسواس

«سؤال ۱» به چه کسی وسواسی گفته می‌شود؟ و شاخصه وسواسی‌گری

چیست ؟

♦ کسی که در کارهای عبادی یا غیر عبادی حتی در امور اجتماعی و فردی خارج از حد اعتدال و متعارف باشد، وسواسی است و آن یک حالت خطرناکی است که از تسلط قوه خیال بر انسان پیدا می‌شود و به جای اینکه عقل او را استخدام کند، قوه خیال او را استخدام می‌کند و وقتی چنین شد شیطان مسلط بر او می‌شود و به واسطه آن حالت، او را نابود می‌کند و دنیا و آخرت او را تباه می‌کند. لذا عقلاً و شرعاً لازم است با بی تفاوتی و نشنیدن حرف شیطان و پشت کردن به وسوسه‌ها و تخیل‌ها و توهم‌ها آن حالت را نابود کند و هرچه او را رنج می‌دهد، راجع به همان بی تفاوت باشد و این است داروی منحصر به فرد وسواس.

«سؤال ۲» حکم حضرت‌عالی در مورد وسواسی چیست؟

♦ کار او حرام است و باید اعمال را به طور متعارف و آن طور که عموم مردم انجام می‌دهند، انجام دهد.

«سؤال ۳» آیا اصلاً از نظر شرع، احتیاط در نجاست و طهارت، مطلوب

است؟

❖ کار وسواسی راجع به هرچه باشد حتی حق الناس
مطلوب نیست؛ بلکه حرام است.

﴿سؤال ۴﴾ آیا اعمال وسواسی (اعم از عبادی و غیر آن) صحیح است و
اعاده لازم ندارد؟
❖ کار او حرام است و باید پرهیز کند.

﴿سؤال ۵﴾ ملاک در تشخیص صدق عنوان وسواس چیست؟
❖ ملاک در صدق عنوان وسواسی بر کسی، عرف است.
هرچند اگر کسی بیش از سه بار در مسأله ای شک کرد،
وسواسی محسوب شده و باید به احکام وسواس عمل نماید.

﴿سؤال ۶﴾ آیا حرمت وسواس منحصر در احکام عبادی است؟
❖ وسواس در هر عملی، اعم از امور اعتقادی و اخلاقی و
احکام عبادات و معاملات و امور فردی و اجتماعی، حق الله و
حق الناس، حرام است.

﴿سؤال ۷﴾ همسر دچار وسواس شده و هرچه به او تذکر می‌دهم می‌گوید
نمی‌توانم مانند بقیه عمل کنم، راه علاجش چیست؟
❖ باید بگویم می‌توانم و راه فقط بی‌اعتنائی و مثل دیگران
بودن است و آلا بدبختی دنیا و آخرت دارد.

﴿سؤال ۸﴾ آیا اهل کتاب ذاتاً محکوم به طهارت هستند یا نجاست؟

◆ طاهر هستند.

﴿سؤال ۹﴾ در محله‌ای زندگی می‌کنم که اکثریت آنها اهل کتاب هستند.

حال آیا در معاشرت با اهالی لازم است از دین و مذهبشان سوال کنم؟

◆ لازم نیست.

﴿سؤال ۱۰﴾ شک، ظنّ و یقین وسواسی تا چه حد معتبر است؟ آیا در صورت

یقین به متعارف بودن آن، باز هم بی‌اعتبار است؟

◆ شک و ظنّ وسواسی اعتبار ندارد و چون یقین او هم

تخیلی بیش نیست، اعتبار ندارد و باید به شک و ظنّ و یقین

خود اعتنا نکند.

﴿سؤال ۱۱﴾ اگر کسی بعد از جنابت، بول و استبراء نکند و غسل نماید و بعد

از آن مایعی از او خارج شود، آیا آن مایع نجس است؟ و آیا نیاز به تجدید

غسل دارد؟ در پاسخ این دو سؤال آیا فرقی می‌کند چقدر وقت بعد از جنابت،

آن مایع خارج شود یا خیر؟

◆ اگر مدت کمی از جنابت او گذشته باشد، مثلاً ده دقیقه،

آن مایع پاک است و غسل او صحیح بوده و غسل دیگری

لازم ندارد. و همچنین است اگر بول کرد و استبراء نکرد و

مدت کمی از بول گذشت و مایع بیرون آمد، آن مایع پاک

است و اگر وضو گرفته یا غسل کرده است به واسطه مایع

باطل نمی‌شود.

﴿سؤال ۱۲﴾ کسی که در اثر بیماری قادر به نگهداری بول خود نیست و مرتباً لباس و بدن او نجس می‌شود و نیز وضوی او باطل می‌گردد، برای خواندن نمازهای یومیّه چه وظیفه‌ای دارد؟ اگر در وسط یک نماز یا بین دو نماز (مثلاً ظهر و عصر) این حالت برای او پیش آمد چه باید بکند؟

◆ وضو بگیرد و با همان وضو نماز بخواند و اگر قبل از نماز یا بین نماز و یا بین دو نماز بول بیرون آمد، نجس است ولی اشکال ندارد و نماز او اعاده ندارد، گرچه بواسطه آن بول بدن او و لباس او نجس شده است و وضوی او باطل شده است.

﴿سؤال ۱۳﴾ کسی که در اثر بیماری قادر به نگهداری باد معده خود نیست و مرتباً وضوی او باطل می‌گردد، برای خواندن نمازهای یومیّه چه وظیفه‌ای دارد؟ اگر در وسط نماز یا بین دو نماز (مثلاً ظهر و عصر) این حالت برای او پیش آمد چه باید بکند؟

◆ نظیر بول است و مسأله آن گفته شد.

﴿سؤال ۱۴﴾ برای تطهیر آب نجس، آیا مخلوط شدن با آب کر، باران یا جاری شرط است؟ و یا صرف اتّصال کافی است؟

◆ صرف اتّصال کفایت می‌کند.

﴿سؤال ۱۵﴾ اگر سگی از ظرفی که آبش کر بوده خورد و بعد از خوردن مقدار آن کمتر از کر شده ولی نمی‌دانیم حین اتّصال دهان سگ، آب کر بوده یا نه. آیا آن آب نجس شده است؟

◇ کر بوده است و الان هم نجس نیست.

«سؤال ۱۶» ویلائی بیرون شهر اجاره کرده‌ایم که در آنجا آب لوله‌کشی وجود ندارد ولی صاحب آن ادعا می‌کند که آب لوله به منبع کر وصل است آیا قول او قابل قبول است؟
◇ گفته او حجت است.

«سؤال ۱۷» آیا برای تطهیر می‌توان از آبی که در مضاف بودن آن شک داریم استفاده کنیم؟
◇ اشکال ندارد.

«سؤال ۱۸» آیا آسفالت، سیمان، چوب، آجر، موزائیک و فلزاتی که با آن کف زمین را مفروش می‌کنند پاک کننده کف پا و کفش هستند؟
◇ بلی پاک کننده هستند.

«سؤال ۱۹» آیا زمین، پاک کننده لاستیک و سائل نقلیه مانند اتومبیل، ویلچر و... می‌باشد؟
◇ پاک کننده است.

«سؤال ۲۰» پشه‌ای را در حال گزیدن دستم کشتم، نمی‌دانم خونی که از او خارج شده از او بوده یا از من، وظیفه چیست؟
◇ پاک است.

«سؤال ۲۱» حکم طهارت شخصی که شهادتین گفته، ولی می‌دانم که قلباً اعتقادی به اسلام ندارد - البته عملی که منافعی با اظهار شهادتین باشد از او سر نزده - چیست؟

♦ پاک است.

«سؤال ۲۲» «وَدَى» ، «مَذَى» و «مَنَى» چه خصوصیتی داشته و فرق آنها با یکدیگر چیست؟ و آیا «مَذَى» و «وَدَى» نجس است؟

♦ غیر از منی و بول هر آبی که از مرد یا زن بیرون بیاید پاک است و موجب فساد وضو و غسل نیست. و اگر شک داشته باشد و یا مظنه داشته باشد که بول است یا منی، باز پاک است. و برای وسواسی اگر یقین داشته باشد باز پاک است. زیرا یقین او یقین نیست.

«سؤال ۲۳» لگه‌ای را در لباس دیدم ولی نمی‌دانم بول است یا منی. حکم آن چیست؟

♦ پاک است و جنب هم نیستید.

«سؤال ۲۴» پس از بیدار شدن در لباس زیر خود، بوی منی احساس و لگه زرد رنگی مشاهده نمودم، آیا می‌توان حکم به نجاست لباس و بدن کرد؟

♦ پاک است و جنب نیز نیستید.

«سؤال ۲۵» آیا در مورد فرآورده‌های حیوانی که نمی‌دانیم از داخل کشور است یا خارج، وظیفه‌ی تحقیق داریم؟

♦ اگر از دست مسلمان و یا از بازار مسلمان‌ها به دست آورده باشد پاک است و وظیفه تحقیق هم نیست.

﴿سؤال ۲۶﴾ ساق پایم زخم شده و عین خون را زائل نمودم ولی قبل از شستشو پوششی روی آن به وجود آمد، آیا برای تطهیر، از بین بردن این پوشش لازم است یا خیر؟
♦ لازم نیست.

﴿سؤال ۲۷﴾ دهان شخصی زخم است، بطوری که هنگام صرف غذا، خون با آن مخلوط می‌شود. آیا خوردن این غذا جایز است؟ لطفاً روش تطهیر آن غذا را بیان فرمائید؟
♦ خوردن آن غذا جائز است و آن غذا پاک هم می‌باشد.

﴿سؤال ۲۸﴾ بعد از کشیدن دندان تا چند روز در محل آن خون وجود دارد، آیا دهان و غذائی که می‌خورم نجس می‌شود؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۲۹﴾ پس از تطهیر - بدلیل بلندی ناخن دستم - شک کردم چیزی که زیر ناخن من است عین نجاست است یا نه، وظیفه‌ام چیست؟
♦ ناخن پاک است و باید به این گونه شک‌ها اعتنا نکنید.
بلکه به این گونه مظنه‌ها و یقینها که تخیلی بیش نیست، اعتنا نکنید.

﴿سؤال ۳۰﴾ در رساله‌ی توضیح المسائل خواندم: (کسی که استبراء نکرده یا نمی‌داند استبراء کرده یا نه و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، اگر به جهتی - مانند گذشت مدتی از بول کردنش - یقین کند بول در مجرا نمانده، پاک می‌باشد و وضو را هم باطل نمی‌کند.) حال بیان فرمائید مدّت مذکور چه مقدار است؟

♦ تقریباً ده دقیقه کفایت می‌کند.

﴿سؤال ۳۱﴾ اگر از شخصی پس از استبراء قطراتی خارج شد چه وظیفه‌ای دارد؟

♦ پاک است مگر یقین کند بول است و وسواسی هم نباشد.

﴿سؤال ۳۲﴾ اگر شخصی بعد از خروج منی، بول نمود و استبراء نکرد و رطوبتی از او خارج شد که نمی‌داند چیست چه وظیفه‌ای دارد؟

♦ اگر فوراً باشد نجس است ولی غسل ندارد و اگر مثلاً بعد از ده دقیقه باشد پاک است و غسل ندارد.

﴿سؤال ۳۳﴾ اگر پس از تطهیر لباس، رنگ و اثر نجاست باقی مانده باشد، آیا می‌توان حکم به طهارت لباس کرد؟

♦ پاک است.

«سؤال ۳۴» پای من که تماماً خیس بود زخم شد، آیا همه پایم نجس

می شود؟

◆ فقط جای خون نجس است.

«سؤال ۳۵» اگر حشره‌ای مانند مگس روی نجاستی بنشیند و بعد روی بدن

یا لباس (مرطوب یا خشک) بنشیند، آیا می‌توان حکم به نجاست بدن و لباس

نمود؟

◆ پاک است.

«سؤال ۳۶» آیا بخار باعث سرایت نجاست می‌شود؟

◆ بخار نجس و متنجس پاک است و اگر مبدل به آب شد

آن آب پاک است؛ گرچه بخار مثلاً از بول باشد.

«سؤال ۳۷» اگر لباس زیر با خون یا بول نجس شود، آیا بررسی جهت

سرایت آن از لباس زیر به دیگر لباس‌ها لازم است؟

◆ لازم نیست.

«سؤال ۳۸» با توجه به لزوم طهارت مساجد و اماکن متبرکه، آیا ورود اهل

کتاب و کفار به اماکن متبرکه (مانند حرم اهل بیت علیهم‌السلام و مساجد و

امام‌زاده‌ها) جایز است؟

◆ مساجد و کلیه اماکن متبرکه با آن کثرت رفت و آمد حتی

افراد لایابالی در طهارت و نجاست و حتی کفار، پاک هستند و

تفحص لازم نیست. بلکه جائز نیست. و همچنین راجع به افرادی که تنظیف آن جا را می کنند. گرچه لایالی باشند و گرچه عقیده به طهارت و نجاست تشیع نداشته باشند، آن اماکن متبرکه پاک است و تفحص لازم نیست. بلکه جائز نیست.

﴿سؤال ۳۹﴾ آیا رساندن دست خیس به مکان ها و لوازم خصوصی اهل کتاب و کفار، موجب نجاست دست می شود؟

♦ موجب نجاست نمی شود مگر بدانیم آن مکان ها یا اساسیه ها نجس هستند.

﴿سؤال ۴۰﴾ زخم شدن دستم را فراموش کردم و آن را بدون التفات شسته و با حوله خشک کردم. ولی بعد دیگر خونی ندیدم، آیا دستم پاک شده؟

♦ دست و حوله پاک است و اگر وضو هم گرفته و غسل کرده صحیح است.

﴿سؤال ۴۱﴾ در روستای ما حیوانات و پرندگان حرام گوشت (مانند سگ و کلاغ) بسیار وجود دارند، آیا هنگامی که برف و باران در کوچه ها یا صحن های منازل می بارد، آبهایی که به بدن یا لباس اصابت می کند نجس است؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۴۲﴾ آیا چیزهائی که از بدن انسان خارج می‌شود (مانند چرک و عفونت، استفراغ و آب کیسه جنین و ...) نجس است؟
 ◇ پاک است.

﴿سؤال ۴۳﴾ اگر در کیسه آرد فضله موشی پیدا شد آیا جستجوی بیشتر لازم است؟
 ◇ لازم نیست.

﴿سؤال ۴۴﴾ در منزل کسی که بچه کوچک دارد با پای خیس راه رفتن، آیا باید از نجاست و طهارت منزلش سوال نمایم؟
 ◇ لازم نیست؛ بلکه جائز نیست.

﴿سؤال ۴۵﴾ اگر بدن، لباس و یا ... افرادی نجس شود که با آنها معاشرت و ارتباط زیاد داریم و یا حتی لوازم مشترک داریم، آیا با این فرض هم لازم نیست به آنها اطلاع دهیم؟
 ◇ لازم نیست.

﴿سؤال ۴۶﴾ در هتل‌ها مسلمان و غیر مسلمان اقامت می‌کنند، آیا تحویل اتاقی که قبلاً غیر مسلمان از آن استفاده می‌کرده به مسلمان جایز است؟ و یا اینکه اطلاع دادن به او کفایت می‌کند؟
 ◇ جائز است و لازم نیست اطلاع بدهد.

﴿سؤال ۴۷﴾ اگر باعث نجس شدن شخصی و یا متعلقاتش شوم، آیا باید به او اطلاع دهم؟ اگر مدتی از آن گذشته باشد چطور؟
 ◇ لازم نیست.

﴿سؤال ۴۸﴾ معاشرت با افراد لا ابالی نسبت به طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان از غذای آن‌ها استفاده کرد؟
 ◇ تفحص لازم نیست و معاشرت با آن‌ها اشکال ندارد.

﴿سؤال ۴۹﴾ آیا لازم است چاه توالت و چاه آشپزخانه به جهت وارد نشدن ذرات غذا، برنج و نان به چاه توالت، جدا باشد؟
 ◇ لازم نیست.

﴿سؤال ۵۰﴾ بنده در تطهیر محل بول و غائط شک می‌کنم و خانواده من را وسواسی می‌دانند، وظیفه‌ام چیست؟
 ◇ شما وسواسی هستید و باید حرف آن‌ها را بشنوید و تطهیر شما بیش از پنج دقیقه نباشد.

﴿سؤال ۵۱﴾ آیا برای درمان شخص وسواسی می‌توان گفت وظیفه‌ای در قبال نجاسات ندارد و چیزی برای او نجس نیست؟ و یا حتی در مورد اشیاء نجس به او دروغ گفت؟

◇ اگر متنجس را نجس نداند، خوب می‌شود و لازم نیست
 از عین نجس هم اجتناب نکند. اگر از عین نجس پرهیز کند

و از متنجّسات پرهیز نکند خوب می‌شود و باید این کار را بکند.

﴿سؤال ۵۲﴾ آیا گفته وسواسی در مورد نجس یا پاک بودن چیزی، مورد قبول است؟

◇ مورد قبول نیست.

﴿سؤال ۵۳﴾ آیا هوا با توجه به داشتن جرم نجس می‌شود؟
◇ نجس نمی‌شود و این سؤال هم سؤال وسواسی‌ها است.

﴿سؤال ۵۴﴾ لباس نجسی را روی زمین گذاشتم به طوری که کمی زمین مرطوب شد، پس از گذشت مدّتی بچه دست خود را روی همان قسمت گذاشته و به جاهای دیگر زد. آیا تمام فرش و دیوار و ... نجس است؟
◇ هیچ جایی نجس نشده است.

﴿سؤال ۵۵﴾ در هنگام تخلّی احساس می‌کنم ذرات بول به لباس و بدنم می‌پاشد لذا هر بار بدن و لباسم را آب می‌کشم، آیا این کار صحیح است؟
◇ این کار حرام است و باید بدانید تخلّی بیش نیست و باید اعتنا نکنید.

﴿سؤال ۵۶﴾ با توجه به اینکه اقشار مختلف جامعه (اعمّ از لایالی و غیره) به پول دست می‌زنند، لازم است نسبت به آن احتیاط شود؟
◇ لازم نیست.

﴿سؤال ۵۷﴾ با توجه به اینکه غذای بعضی رستوران‌ها یا فراورده‌های دامی پاک نیستند، آیا وظیفه من تحقیق و بررسی است؟

♦ اگر مسلمان است، تحقیق لازم نیست گرچه مسلمان لاابالی هم باشد.

﴿سؤال ۵۸﴾ در روزهای بارانی به دلیل رفت و آمد مردم، اکثر کوچه و خیابان‌ها نجس می‌شود، در چنین مواقعی باید چه کنم؟

♦ کوچه‌ها، خیابان‌ها، دستشویی‌ها، بازارها، همه و همه محکوم به طهارت است و تفحص لازم نیست؛ بلکه جائز نیست. و اجتناب لازم نیست بلکه اگر موجب اختلال در کارهای عبادی یا غیر عبادی شود، جائز نیست.

﴿سؤال ۵۹﴾ آیا رعایت نشدن طهارت و نجاست در مسجد الحرام و ... عذر برای عدم شرکت در مراسم حج می‌باشد؟

♦ باید آن‌جا را پاک بداند و نجس دانستن آن جا حرام است و تفحص جائز نیست و گفتگو در این باره جائز نیست.

﴿سؤال ۶۰﴾ وقتی دست خود را به اشیائی که سرد هستند می‌گذارم مقداری بخار می‌کند، آیا به وسیله این بخار نجاست از شیئی خشک سرایت می‌کند؟

♦ نمی‌کند.

﴿سؤال ۶۱﴾ آیا می‌توان با یهود و نصاری در صورتی که دست آن‌ها خیس باشد، دست داد؟

❖ اشکال ندارد.

«سؤال ۶۲» آیا کفش و کمربند و لباس چرم ساخت کشورهای غیر مسلمان پاک است یا نجس؟ اگر آن لباس را از کشور اسلامی مثل عربستان خریده باشیم تفاوتی در مسئله می کند؟

❖ پاک است - تفاوتی ندارد.

«سؤال ۶۳» خون و مردار و فضله حیواناتی نظیر مگس و پشه و... پاک است یا نجس؟

❖ پاک است.

«سؤال ۶۴» رطوبت و ترشحاتی که از زن یا مرد خارج می شود و علامات منی ندارد، پاک است یا نجس؟ اگر این ترشحات به هنگام تحریک جنسی خارج شود، تفاوتی می کند؟

❖ مطلقاً پاک است و غسل هم ندارد.

«سؤال ۶۵» آیا چرک و یا آبی که پس از ترکیدن جوش صورت، از آن خارج می شود نجس است یا خیر؟

❖ پاک است.

«سؤال ۶۶» آیا الکل سفید که برای تزریق استفاده می شود، نجس می باشد یا خیر؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۶۷﴾ اگر در ظرف غذایی بعد از پخته شدن متوجه فضله موش گردیم، آیا پارچه ای که برای دم کردن روی ظرف استفاده شده، نجس است؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۶۸﴾ آیا خونی که بعد از ذبح کردن حیوان در گوشت موجود است، پاک است یا نجس؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۶۹﴾ آیا فضله ی طوطی و خرگوش و سنجاب پاک است؟
♦ فضله طوطی پاک است، ولی فضله خرگوش یا سنجاب نجس است.

﴿سؤال ۷۰﴾ آیا فضله ی کلاغ، گنجشک و سایر پرندگان نجس است؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۷۱﴾ حکم بخار آب نجسی که مجدداً بر روی دیوار تقطیر می شود چیست؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۷۲﴾ اگر کسی روی زمین پر برفی زمین بخورد، آیا لباس و بدن او نجس می‌شود؟ اگر این اتفاق در اروپا و در مکان‌هایی که سگ‌ها زیاد رفت و آمد می‌کنند، بیافتد پاسخ چیست؟

◆ در هر دو صورت نجس نمی‌شود.

﴿سؤال ۷۳﴾ موی سگ اگر در لباس و فضای منزل باشد، آن لباس و فضا نجس می‌شود؟

◆ تا خشک باشد سرایت نمی‌کند.

﴿سؤال ۷۴﴾ آیا ادرار بچه شیرخوار نجس است؟ اگر نجس است، لباسی که بواسطه آن نجس می‌شود با چند بار شستن پاک می‌شود؟

◆ اگر آب قلیل باشد، با دوبار پاک می‌شود. ولی با آب لوله‌کشی و کر و جاری با یک بار شستن کفایت می‌کند و فشار هم لازم نیست.

﴿سؤال ۷۵﴾ آیا بخاری که از آب نجس بلند شده است، پاک است؟ چنانچه این بخار با پارچه یا چیز دیگری ملاقات کند، آن چیز را نجس می‌کند؟

◆ پاک است و نجس نمی‌کند.

﴿سؤال ۷۶﴾ آیا قسمت کنده شده‌ی پوست لب و بدن، اگر کوچک یا بزرگ باشد یا اگر با درد یا بدون درد باشد؛ نجس است؟

◆ پاک است.

﴿سؤال ۷۷﴾ آبی که در موقع کشیدن سیفون توالت به بیرون تراوش می کند

پاک است یا خیر؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۷۸﴾ آیا اگر در موقع شستن لباس نجس در ماشین لباسشویی آبی به

بیرون بریزد و جاری شود، پاک است؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۷۹﴾ فضولات پرندگان (حرام گوشت - یا حلال گوشت - گوشت

خوار یا غیر گوشت خوار - دارای چنگال یا بدون چنگال) پاک است یا

نجس؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۸۰﴾ آیا زردی به جا مانده از لکه بر روی لباس ها که بعد از شستشو

باقی مانده نجس است یا خیر؟ لکه های بعد از حیض که بعد از شستشو بر

روی لباس می ماند چگونه؟

♦ پاک است.

﴿سؤال ۸۱﴾ آیا لباس نجس شده با بول با یک بار شستشو در ماشین

لباسشویی پاک می شود یا باید دو بار شست؟ اگر باید دو بار شست، آیا بین دو

شستشو باید لباس فشار داده شود تا آب خارج شود؟

♦ یک بار کفایت می کند.

﴿سؤال ۸۲﴾ آیا دندان پر شده در دهان جسم خارجی محسوب می‌شود و اگر کسی با داشتن دندان پر شده دندان دیگر را بکشد، باید با آب جاری دهان را پاک کند یا خیر؟ و اگر بچه باشد و نشود این کار را کرد یا بزرگسال باشد و نداند، حکم چیست؟

♦ احتیاج به شستن دهان نیست.

﴿سؤال ۸۳﴾ خونی که پس از کشیدن دندان در محل آن باقی می‌ماند و روی دستمال اثر می‌گذارد ولی آب دهان را رنگین نمی‌کند چه حکمی دارد؟ آیا غذا خوردن در این صورت اشکال دارد؟ یا ظرفی که با آن غذا می‌خوریم نجس می‌شود؟

♦ دهان را نجس نمی‌کند و غذا خوردن اشکال ندارد.

﴿سؤال ۸۴﴾ آیا عرق جنب، نجس است؟ در غیر این صورت آیا می‌شود با لباسی که با عرق جنب آلوده است می‌شود نماز خواند؟

♦ پاک است از حلال باشد یا از حرام.

﴿سؤال ۸۵﴾ اگر لباس‌های پاک با لباس‌های نجس با هم در یک آب شسته شوند، لباس‌های پاک هم نجس می‌شوند؟

♦ لباس‌ها همگی پاک می‌شوند.

﴿سؤال ۸۶﴾ اگر پارچه یا لحافی روی زمین نجس گذاشته شود و بعد آن پارچه یا لحاف نم کشیده و سنگین شده باشد، آیا نجس است؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۸۷﴾ دیوار دستشویی و توالت که نم کشیده و مرطوب باشد، آیا نجس است؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۸۸﴾ آیا از آبی که مردار در آن است می شود برای تطهیر یا آشامیدن یا وضو استفاده کرد؟
♦ اگر کر یا جاری باشد، اشکال ندارد.

﴿سؤال ۸۹﴾ آیا غذاها یا مایعاتی مانند سرکه که به طور طبیعی مقدار دو یا سه درصد از آن را الکل تشکیل می دهد، نجس است؟
♦ پاک است.

﴿سؤال ۹۰﴾ آیا می توان از طعام اهل کتاب مانند یهود و نصاری استفاده کرد؟
♦ اشکال ندارد.

﴿سؤال ۹۱﴾ آیا زرتشتی ها اهل کتاب آسمانی هستند؟ حکم طهارت و نجاست آنها چیست؟

♦ پاک می باشند.

«سؤال ۹۲» مسلمانی که عمداً نماز نمی خواند و تارک الصلاة است ولی منکر نماز نیست، آیا کافر و نجس است؟ اگر چنین شخصی منکر نماز هم باشد چه حکمی دارد؟

♦ تارک الصلوة پاک است ولی منکر نماز اگر جدی باشد، نجس است.

«سؤال ۹۳» غذایی که گربه به آن دهان زده نجس است؟
♦ پاک است.

«سؤال ۹۴» حکم طهارت یا نجاست چیزهایی مانند کاپشن، کیف، کفش، کمر بند و... که از کشورهای غیر مسلمان می آورند و در آن ها پوست و چرم حیوانات بکار رفته باشد چیست؟
♦ پاک است.

«سؤال ۹۵» آبی که از شستن لباس نجس می ریزد یا ترشح می کند پاک است؟

♦ اگر عین نجاست را نداشته باشد، غساله آن پاک است؛
گرچه با آب قلیل باشد.

﴿سؤال ۹۶﴾ اگر فضله موش در آب برنج که خیس کرده‌اند، پیدا شود آیا آن

ظرف و برنج نجس است؟ اگر نجس است قابل پاک شدن می‌باشد؟

♦ ظروف و برنج‌ها نجس است و اگر آن برنج‌ها را در آب

کر یا جاری مدتی نگاه بدارند، پاک می‌شود. ولی اگر آب

نجس نفوذ در آنها نکرده باشد، به مجرد تسلط آب پاک بر

آنها پاک می‌شود.

﴿سؤال ۹۷﴾ اگر کشمش و خرما در آب جوشانده شوند، یا آنها را سرخ کنند،

نجس می‌شوند؟ خوردن آنها چه حکمی دارد؟

♦ نجس نمی‌شود و خوردن آنها اشکال ندارد.

﴿سؤال ۹۸﴾ اگر کسی وسایلی که مربوط به دیگران است را عمداً یا سهواً

نجس کند، آیا باید به آنها بگوید؟

♦ لازم نیست.

﴿سؤال ۹۹﴾ آیا اگر مهمانی یکی از اثاثیه‌های میزبان را نجس کند، مطلع

کردن میزبان واجب است؟

♦ لازم نیست.

﴿سؤال ۱۰۰﴾ آبی که از ماشین‌های حمل زباله شهری در خیابان می‌ریزد و

گاهی بر اثر شدت باد به لباس مردم پاشیده می‌شود، محکوم به طهارت است

یا نجاست؟

◇ محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۱۰۱﴾ رفت و آمدهای خانوادگی با اشخاصی که به طهارت و نجاست در خوردن و آشامیدن و مانند آن اهمیت نمی‌دهند، چه حکمی دارد؟

◇ اشکال ندارد.

﴿سؤال ۱۰۲﴾ کسانی که مسلمان شناسنامه‌ای هستند و تارک الصلوة یا سایر عبادات می‌باشند و نیز کسانی که شبهه اعتقادی دارند و یا عمداً شبهه وارد می‌کنند، پاک هستند؟

◇ پاک می‌باشند.

﴿سؤال ۱۰۳﴾ رطوبت اشیاء به چه مقدار که باشد در تلاقی با نجس، نجس می‌شوند؟

◇ به اندازه‌ای که خیس کند.

﴿سؤال ۱۰۴﴾ اگر در خارج از کشور فروشنده غیر مسلمان مواد غذائی بگوید: گوشت یا مرغ او ذبح شرعی دارد، می‌توان به قول او اعتماد نمود؟

◇ اگر لایبلی نباشد، گفته او حجت است.

﴿سؤال ۱۰۵﴾ اگر حیوانات حرام گوشت به ذبح شرعی کشته شده باشند، پاک هستند؟

◇ پاک هستند، ولی خوردن آن‌ها حرام است.

﴿سؤال ۱۰۶﴾ اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می خواند، موظف

است به او بگوید؟

❖ لازم نیست.

﴿سؤال ۱۰۷﴾ اگر تکرار اعمال وضو، غسل، نماز و سایر عبادات به حدّ وسواس

برسد، اولاً صرف تکرار عمل، حرام است یا خیر؟ ثانیاً موجب بطلان آن

عبادت می شود یا نه؟

❖ تکرار او حرام است.

﴿سؤال ۱۰۸﴾ منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرش ها، درب ها، دیوارهای

اطاق ها، پنجره ها، پرده ها، بخاری، کتاب ها، رختخواب ها و خلاصه تمام

زندگی ما نجس است. گفتم نامه ای برای شما بنویسم تا بلکه در مورد من

فتوای خاصی بدهید و اینجا من را از معافیت مخصوصی در مورد چیزهایی

که تا به حال نجس شده، برخوردار سازید.

❖ باید همه جای منزل را پاک بدانید و عمل شما باید در آن

منزل، عمل پاک بودن منزل باشد.

﴿سؤال ۱۰۹﴾ تکلیف من در موارد زیر چیست؟

الف: گاهی زمینی نجس می شود، بعداً بواسطه بارش برف یا باران و

خیس شدن زمین، عبور مردم و وسایل نقلیه از روی آن و رفتن به

اماکن مختلف (مسجد، حرم، نانوائی، داخل اتوبوس، مدرسه، بازار و ...)

نجاست را به همه جا منتقل می کنند. به همین جهت همه ی این اماکن

را نجس می‌دانم، همان طور که گرد و خاک‌های آن خیابان‌ها و مکان‌ها را نیز نجس می‌دانم.

ب: هر گاه توالت می‌روم با این که در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا بول به من ترشح نکند، باز هم قطع پیدا می‌کنم که بول به شلوار و پایم ترشح کرده است؛ لذا توالت رفتن برایم بسیار مشکل شده است و تا آن موضع را آب نکشم، راحت نمی‌شوم.

ج: در بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به لبه‌ی میز و یا لبه‌ی کتاب و یا چیزهای زیر برخورد می‌کند و بدون این که دستم زخم شود یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخن‌ها و جاهای دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا می‌شود و یا روی انگشت‌های دستم پوست‌های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب و یا تماس با چیز دیگر، با احساس کمی درد از دستم جدا می‌شود. تکلیفم در این موارد چیست؟

♦ آن چه نوشته‌اید و نظایر آن را باید پاک بدانید و فکرش را باید نکنید و باید تا فکر این گونه مطالب برای شما جلو می‌آید، خود را منصرف کنید.

﴿سؤال ۱۱۰﴾ زنی هستم با تحصیلات عالی و دارای چندین فرزند، مشکلی که از آن رنج می‌برم مسأله‌ی طهارت است. چون در خانواده‌ای متدین بزرگ شده‌ام، می‌خواهم همه‌ی تعالیم اسلامی را مراعات کنم. به علت داشتن فرزند کوچک، همیشه با مسائل بول و غائط سر و کار دارم. هنگام تطهیر بول،

ترشحات سیفون پراکنده شده و به پاها، صورت و حتی سرم برخورد می‌کند و هر دفعه با مشکل تطهیر آن اعضاء مواجه هستیم. و این باعث شده که در زندگی با سختی‌های زیادی روبرو شوم. از طرفی هم نمی‌توانم این امور را رعایت نکنم؛ زیرا مربوط به عقیده و دینم است. برای حل مشکل به پزشک روان‌شناس هم مراجعه کردم، ولی نتیجه نگرفتم. به علاوه موارد دیگری هم هست که از آنها رنج می‌برم مثل غبار شیء نجس یا مراقبت از دست‌های کودک که یا باید آنها را آب بکشم و یا از دست زدن بچه به اشیای دیگر جلوگیری کنم. با توجه به این که تطهیر شیء نجس برای من بسیار دشوار است، ولی در همان وقت شستن ظرف‌ها و لباس‌ها در صورتی که فقط کثیف باشند، برایم راحت است؛ لذا از حضرتعالی خواهش مندم با راهنمایی‌های خود زندگی را بر من آسان فرمایید.

♦ باید به هر چه می‌خواهد به شما رنج بدهد، بی‌اعتنا باشید و آن چه را نوشته‌اید و نظائر آن پاک است و باید اعتنا نکنید.

﴿سؤال ۱۱۱﴾ در خارج شدن از حالت کثیر الشک در نماز فرموده‌اند: اگر در سه نماز پی در پی شک نکند، از حالت کثیر الشک خارج می‌شود، آیا باید حتماً نماز یومیّه باشد یا این که اگر در سه نماز قضای پی در پی یا سه نماز مستحبی پی در پی نیز شک نکند، از این حالت خارج می‌شود؟

♦ تفاوتی در نمازها ندارد و آن چه فرموده‌اند این است که اگر حالت غیر عادی برای شما پیدا شد، چه در نماز یا غیر

نماز، باید بی‌اعتنا باشید تا آن حال غیر عادی برای شما
عادی و متعارف شود.

﴿سؤال ۱۱۲﴾ چند سالی است که به بیماری وسواس مبتلا شده‌ام و این موضوع مرا بسیار عذاب می‌دهد و روز به روز این حالت در من تشدید می‌شود تا جایی که در همه چیز شک می‌کنم و همه زندگی بر پایه‌ی شک استوار شده است. بیشترین شک من در مورد غذا و اشیای مرطوب است؛ به همین دلیل نمی‌توانم مثل سایر مردم، عادی زندگی کنم. وقتی وارد مکانی می‌شوم فوراً جوراب‌هایم را از پایم بیرون می‌آورم؛ چون فکر می‌کنم جوراب‌هایم عرق کرده و بر اثر تماس با نجس، نجس خواهد شد. حتی من بر سجاده هم نمی‌توانم بنشینم. هر وقت بر آن می‌نشینم، بر اثر وسوسه‌ی نفس از روی آن بلند می‌شوم تا مبادا پرزهای سجاده به لباس‌هایم بچسبد و مجبور به شستن آنها شوم. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

♦ باید راجع به آن چه نوشته‌اید و نظائر آن اهمیت ندهید و اهمیت دادن حرام است و اگر مدتی اهمیت ندادید، حتماً خوب می‌شوید.

﴿سؤال ۱۱۳﴾ اولاً بیان فرمایید آیا کثرت شک، با سه بار شک مختلف در سه نماز متوالی، محقق می‌شود؟ مثلاً شک اول میان دو و سه، شک دوم میان سه و چهار و شک سوم در انجام رکوع بوده است. به طور کلی، آیا سه

شک باید از هر جهت یکسان باشد یا در صورت اختلاف هم کثرت شک محقق می‌شود؟ ثانیاً به شک سوم نباید اعتنا کرد یا شک چهارم؟

♦ هر شکی باشد، در مرتبه چهارم باید اعتنا نکند.

«سؤال ۱۱۴» اگر کسی به عقاید صحیح معتقد باشد، ولی برخی خیالات و وسوسه‌ها در قلب او رسوخ کرده و یا بعضی کلمات کفرآمیز در ذهن او می‌آید که از وجود آنها کراهت دارد و از آنها اذیت می‌شود، راه خلاصی از چنین وسوسه‌هایی چیست؟

♦ از پیامبر گرامی ﷺ روایت شده است که باید به این گونه فکرها بی‌اعتنا باشد و اگر مدتی بی‌اعتنایی کرد، خوب می‌شود و کلمه «لا اله الا الله» برای کمک گرفتن مؤثر است.

«سؤال ۱۱۵» اگر با مختصر پرسش و پاسخی بتوان به نجس یا پاک بودن اشیاء پی برد، آیا تجسس لازم است؟

♦ تجسس لازم نیست و برای وسواسی حرام است.

«سؤال ۱۱۶» کسی که عادت او شستن مخرج بول یا غائط و استبراء است، اگر زیاد شک می‌کند که آیا مخرج بول و غائط را شسته یا استبرا کرده، چه کند؟

♦ اعتنا نکند تا خوب شود.

«سؤال ۱۱۷» بعد از این که وضو می گیرم، مرتباً احساس می کنم بادی از من خارج شده است. تا جایی که برای هر نماز چند بار وضو می گیرم. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

♦ باید اعتنا نکنید و باید تکرار وضو نداشته باشید.

«سؤال ۱۱۸» آیا در غسل جنابت، باید وسواس به خرج داد که آب به همه جای بدن رسیده است؟

♦ وسواس به خرج دادن حرام است و به طور متعارف باید غسل کرد و یقیناً آب به همه جای بدن می رسد.

«سؤال ۱۱۹» آیا غسل انسان های وسواسی که گاهی مدّت ها طول می کشد، باطل است؟

♦ کار او حرام است.

«سؤال ۱۲۰» آیا صرف اینکه اطرافیان انسان بگویند: وسواسی هستی، برای عمل به تکالیف وسواسی کافی است یا راه دیگری لازم است؟

♦ گفته ی آنها برای او حجت است و باید قبول کند.

«سؤال ۱۲۱» موقعی که وسواسی در صحت تکبیرة الاحرام شک دارد و دوباره می خواهد تکبیر بگوید، جایز است؟ آیا چنین نمازی باطل است؟

♦ کار او حرام است. و باید بنا را بر صحت بگذارد و تکرار نکند.

﴿سؤال ۱۲۲﴾ کسی که در صحت ذکرهای نماز وسواس دارد یا زیاد شک می‌کند و تکرار می‌کند، آیا نمازش باطل است؟
 ◇ کار او حرام است و باید تکرار نکند.

﴿سؤال ۱۲۳﴾ در نماز زیاد شک می‌کنم، همچنین در غسل و هنگام غسل شک می‌کنم که آیا نیت را درست گفته‌ام یا نه، چه کنم؟
 ◇ باید اعتنا نکنید و تکرار و طول دادن در همه‌ی امور برای شما حرام است.

﴿سؤال ۱۲۴﴾ آیا مراد از کثیر الشک بودن، فقط نماز واجب و فرادا می‌باشد یا علاوه بر آن نمازهای جماعت و مستحبی را هم شامل می‌شود؟
 ◇ همه چیز را شامل می‌شود.

﴿سؤال ۱۲۵﴾ کسی که در نماز جماعت شکی برایش پیش نمی‌آید ولی در فرادا شک می‌کند، اگر معمولاً غیر نماز صبح را به جماعت می‌خواند اما در سه نماز صبح متوالی که فرادا می‌خواند، شک می‌کند، آیا باز هم بر او کثیر الشک صادق است؟
 ◇ کثیر الشک است و باید اعتنا نکند.

﴿سؤال ۱۲۶﴾ کسی که کثیر الشک است و در هر بار شک کردن نماز را می‌شکند و دوباره می‌خواند و این حالت برای او عادی شده، آیا می‌تواند آیه یا

کلمه‌ای را که شک دارد به قصد قربت مطلق دوباره بخواند تا به تکرار نماز گرفتار نشود؟

♦ باید نماز را نشکنند و باید ذکر را تکرار نکنند و باید به طور متعارف که مردم نماز می‌خوانند، نماز بخوانند.

﴿سؤال ۱۲۷﴾ در خارج شدن از عنوان کثیرالشک، فرموده‌اند: اگر در سه نماز پشت سر هم شک نکند، از این حالت خارج شده است، آیا نمازها باید نماز واجب یومیّه باشد؟
♦ فرق نمی‌کند.

﴿سؤال ۱۲۸﴾ فردی هستم کثیر الشک، که اگر به وظیفه‌ی کثیر الشک عمل کنم، شیطان مرا وسوسه می‌کند و احتمال را بر کمتر می‌دهم و از این که عمل را کمتر انجام داده‌ام ناراحتم. و اگر به وظیفه‌ی کثیر الشک عمل نکنم، باز هم وسوسه می‌شوم که چرا به احکام عمل نمی‌کنی؟ آیا می‌توانم شک را عادی حساب کرده و طبق احکام شکّ عادی و نه کثیر الشکّ عمل کنم؟
♦ نه، باید بنا را بر اکثر بگذارید و با بی‌اعتنایی به شک جلو روید و آن طور که مردم نماز می‌خوانند، نماز بخوانید.

﴿سؤال ۱۲۹﴾ در غسل زیاد شک می‌کنم مثلاً وقتی طرف چپ را می‌شویم شک می‌کنم که طرف راست بدنم را شسته‌ام یا نه. تکلیف من چیست؟
♦ باید به شکّ خود اعتنا نکنید و غسل را به طور متعارف انجام دهید.

﴿سؤال ۱۳۰﴾ من در انجام غسل خیلی وسواس دارم و هر غسلی یک ساعت تا یک ساعت و نیم طول می‌کشد. به طوری که بعضی اوقات نمازم قضا می‌شود. برای رفع این مشکل لطفاً راهنمایی کنید؟

♦ کار شما حرام است و باید غسل شما بیش از ده دقیقه طول نکشد، بلکه ده دقیقه هم زیاد است.

﴿سؤال ۱۳۱﴾ آیا یقین فرد وسواسی در حکم شک می‌باشد؟

♦ مظنه و یقین او در حکم شک است و شک او هم باید راجع به آن بی‌اعتنا باشد و اعتبار ندارد.

﴿سؤال ۱۳۲﴾ اگر کسی روی اعتقادات وسواس داشت که مدام با آن که تحقیق می‌کند و برایش مسلم می‌شود که اعتقاداتش درست است و در آن شک می‌کند، تکلیفش چیست و راه چاره و نجات از این مشکل چیست؟

♦ باید اعتنا نکند تا متعارف شود.

﴿سؤال ۱۳۳﴾ شخصی مدام با خود می‌گوید که آیا دلایل من در اصول دین درست است یا خیر و هر روز شک می‌کند و از این نگران است که آیا جواب ملائکه و خدا را در قبر و قیامت خواهد داد یا نه، آیا این شخص دچار وسواس شده است؟ (لازم به ذکر است که این شخص اگر بحث و مناقشه در این موارد اصول دین ایجاد شود به راحتی در بحث‌ها می‌تواند پاسخگو باشد و همه را قانع نماید.)

♦ باید به شک خود اعتنا نکند و تا فکر جلو می‌آید، تمرکز

فکری نداشته باشد و خود را منصرف به چیز دیگری کند.

﴿سؤال ۱۳۴﴾ آیا با احساس و حساسیت و شکّ خیلی زیاد (تا حدی که این احساس و شکّ زیاد و قوی برای انسان یقین حاصل کند) می‌شود به نجس بودن شیئی یا هر چیزی یا هر مکانی یقین حاصل کرد و آن چیز را نجس دانست یا نه با احساس و شکّ زیاد داشتن نمی‌شود به نجس بودن چیزی یا مکانی یا شیئی یقین پیدا کرد و نهایتاً آن را نجس دانست؟

♦ شما چون وسوسه عملی دارید، واجب است راجع به هر چیزی که برای شما رنج آور است و یا شما را از کار باز می‌دارد، بی اعتنا باشید. و به شکّ خود، بلکه به ظنّ خود، بلکه به یقین خود بی اعتنا باشید، تا ان شاءالله خوب شوید.

﴿سؤال ۱۳۵﴾ ۱. من مشکلی دارم که عبارت است از اینکه قطره قطره ادرار از من می‌آید و هیچ وقتی پاک نیستم. برای نماز اگر وضو بگیرم آیا باید بلافاصله نماز بخوانم یا اگر فاصله بیاندازم اشکال ندارد؟ و چقدر می‌توانم فاصله بیاندازم؟ و وقتی که نماز اوّل را خواندم و می‌خواهم بلافاصله نماز دوّم را بخوانم، اگر بین دو نماز قطره ادرار بیاید، آیا با همان وضوی اوّل می‌توانم نماز دوّم را بخوانم؟

۲. در شهر ما بیشتر ایّام سال هوا شرجی است و دائماً عرق می‌کنم و دستمالی می‌گذارم که ادرار به جاهای دیگر نرود و کنار پاهایم که به دستمال می‌خورد، دائماً عرق می‌کند و به پایین پاهایم می‌رود و به دلیل حرکت، دستمال تکان می‌خورد و عرق از قسمت‌های نجس بر روی پایم

جاری می شود. این عرق‌ها عین نجاست در آن نیست، ولی به دلیل برخورد به عین نجاست، نجس هستند و پاهایم نجس می شود. به همین دلیل مرتب باید لباسهایم را عوض کنم و پاهایم را طاهر کنم. به همین دلیل خیلی اذیت می شوم و وسواسی شده ام. حال چون من در طول روز دائماً اینطور هستم تا چه حد باید رعایت کنم؟ آیا فقط لازم است که قسمت‌هایی که عین نجاست به آن رسیده است را طاهر کنم؟

۳. از من مرتب ترشحاتی بیرون می آید و به دلیل مشکلم در زیر آن ترشحات ادرار است. آیا باید تمام ترشحات را بشویم یا اگر ظاهر آن را آب بکشم کافی است؟ و اگر آب بکشیدن ظاهر آن کافی است، چنانچه ترشحات به لباسهایم برخورد کند، پاک است یا نجس؟

♦ الف. شما یک وضو بگیرید و دو نماز را با همان وضو بخوانید. اگر در نماز یا بین دو نماز ادرار بیرون بیاید، آن یک وضو کافی است.

ب. لباس‌ها و بدن را لازم نیست آب بکشید با همین حال نماز بخوانید نماز شما صحیح است.

ج. ترشحات پاک است و اگر مخلوط به ادرار شد، با همان ترشحات نماز بخوانید و نماز شما صحیح است.

﴿سؤال ۱۳۶﴾ چند وقتی است که از خدا می ترسم به گونه ای که می ترسم مشکلی برایم ایجاد کند یا چیزی را از من بگیرد. به همین خاطر مثلاً مجبورم در استغفار برای همه دعا کنم و تازه کلمات را هم درست ادا کنم. و آخر هم «آمین یا رب العالمین» می گویم که گاهی چندین مرتبه هم می گویم

مبادا اشتباه گفته باشم. و خدا مرا نبخشد. تقریباً همه چیز را حقّ الناس می‌دانم و تازگی‌ها حتی بعضی چیزها را شک می‌کنم مال خودم باشد و آن‌ها را دور می‌اندازم. کتابهایم را آب می‌کشم که گاهی خراب هم می‌شود و به خودم می‌گویم نباید خجالت بکشی چون اولاً ریا می‌شود ثانیاً باید به سختی بیافتم تا خدا مرا ببخشد. نمازهایم را گاهی آنقدر کلماتش را تکرار می‌کنم که بدنم شروع به لرزش می‌کند. مثلاً در تلفظ عین و حاء شک می‌کنم یا در اُشهد چندین بار «آش» می‌گویم تا بتوانم کلمه را ادا کنم می‌ترسم خدا مرا نبخشد یا گناه کنم. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

◆ کلیه آنچه نوشته‌اید غلط و حرام است و شما باید راجع به این گونه امور بی تفاوت باشید تا خوب شوید. «لا اله الا الله» را زیاد بگوئید.

﴿سؤال ۱۳۷﴾ متأسفانه مدّتی است که به بیماری وسواس دچار شده‌ام. شاید به نظرتان مسخره بیاید اما هر دفعه که به دستشویی می‌روم (با عرض معذرت) با وجود اینکه خودم را تطهیر می‌کنم اما همین که از دستشویی بیرون می‌آیم، شک می‌کنم که این کار (تطهیر) را کرده‌ام یا نه. از ترس اینکه مبادا نمازهایم صحیح نباشند به تعویض لباس و تطهیر مجدد اقدام می‌کنم اما دفعه دوم (و گاه دفعات سوم، چهارم و پنجم) همین شک برایم پیش می‌آید. گاه شک می‌کنم که ممکن است به درستی تطهیر نکرده باشم. آیا می‌توانم به شک‌هایم در این موارد که واقعاً برایم آزار دهنده شده اعتنا نکنم؟

◆ همان دفعه اول که از دستشویی بیرون آمدید باید

برنگردید. باید لباس عوض نکنید. باید به شک خود، بلکه به مظنه خود، بلکه به یقین خود عمل نکنید. و این بی اعتنائی دوی درد شما است و این بی اعتنائی از نماز هم برای شما واجب تر و اعتناکردن برای شما حرام است.

﴿سؤال ۱۳۸﴾ من گاهی وقتها در مورد بعضی کارها که نمی دانم حلال است یا حرام، باطل است یا درست دچار شک می شوم. در همین موقع دچار اضطراب خاصی می شوم و در ذهنم کسی می گوید که حکم آن را باید بپرسی و الا به جهنم می روی و من از ترس آن را انجام نمی دهم و گاهی هم اعمالم را مثل تیمم از ترس باطل بودن دوباره انجام می دهم و حکم آن را که می پرسم اکثراً به نفع من می شود و بسیار کمتر به ضررم. به نظر شما آیا این وسواس حساب می شود؟ چون تعداد این شکها زیاد است من را عصبی می کند و نمی توانم فرق وسواس و شک صحیح را تشخیص دهم.

♦ این حالت وسوسه است و باید با بی اعتنائی و بی تفاوتی آن را خوب کنید و وظیفه شما این است که در این گونه موارد بی تفاوت باشید و بنا بگذارید بر آنچه بر نفع شما است.

﴿سؤال ۱۳۹﴾ مدتی است که وسواسی شده ام به هر چه که اهمیت نمی دهم موضوع جدیدی برایم به وجود می آید دیگر اعصابم به هم ریخته است. مثلاً موقع غسل کردن احساس می کنم که مقداری ادرار از من بیرون می آید که

من مجبور می‌شوم دوباره غسل کنم. واقعاً دارم دیوانه می‌شوم. شما را به خدا کمکم کنید.

♦ باید به این گونه چیزها اهمیّت ندهید تا خوب شوید.

﴿سؤال ۱۴۰﴾ من فردی وسواسی شده‌ام بعد از تطهیر نجاست شک می‌کنم آیا آن قسمت را حتماً شسته‌ام یا خیر، پاک شده یا خیر و مثلاً یک بار موقع شستن مخرج بول و غائط بعد از این که خود را شستم و بلند شدم شک کردم که نکند مخرج غائط را تمییز نشده باشم و یا اصلاً نشسته باشم. بنابراین دوباره شستم و حالا این شک ایجاد شده که نکند قطرات آب شستشوی اوّل به مخرج غائط رسیده و لباس زیرم نجس شده باشد کمکم کنید.

♦ به کلیّه آنچه نوشته‌اید و مانند آن باید اهمیّت ندهید و راه خوب شدن شما فقط بی‌اعتنائی شما است.

﴿سؤال ۱۴۱﴾ من در نیت دچار وسواس هستم و دچار هوی می‌شوم، راهش چیست؟

♦ شما در عبادات نیت نداشته باشید و بدون نیت کلیّه عبادات را و من جمله نماز را به جا آورید.

﴿سؤال ۱۴۲﴾ من دختری ۲۹ ساله و مجرد هستم که به مدّت یک سال است به علّت وسواس زیر نظر روانپزشک و روان شناس هستم و دارو مصرف می‌کنم. اکنون نوع وسواس را مذهبی تشخیص داده‌اند و مرا به یک روحانی ارجاع داده‌اند. از شما خواهش می‌کنم کمکم کنید. گاهی آنقدر عصبانی

می‌شوم که دیگر نمی‌توانم کاری بکنم. یکی از موارد وسواس این است که برای خواندن یک وعده نماز چندین و چند بار وضو می‌گیرم. گاهی به علت شک خارج شدن باد که گاهی واقعی است و البته بیشتر شک، آنقدر وضو می‌گیرم که پوست صورتم قرمز می‌شود. یکبار با فردی روحانی مشاوه کردم و او گفت که پس از سه بار وضو گرفتن جایز نیست ولی نتوانستم به حرفش گوش دهم یعنی وسواس نگذاشت! خواهش می‌کنم کمک کنید چون دیگر نمی‌دانم چه کنم. یکی دیگر از موارد وسواس این است که از دستشویی که می‌آیم حس می‌کنم آب دستشویی به لباسم ریخته البته می‌دانم که نجس نیست، ولی باید از گردن تا نوک پا را آب بکشم و به هیچ وجه نمی‌توانم این کار را ترک کنم. چه کنم؟ چون موارد وسواس، مذهبی است، روانپزشک گفته فقط یک روحانی می‌تواند به من کمک کند.

♦ واجب است برای شما از هرچه که موجب سختی و رنج شما می‌شود گرچه یقین هم داشته باشید، بی تفاوت و بی اهمیت باشید و من جمله از دو سؤال که نموده اید برای شما یک وضو کافی است گرچه یقین کنید وضوی شما شکسته شد. و از دستشویی که بیرون آمدید واجب است خود را آب نکشید گرچه یقین داشته باشید که بر شما ترشح شده است، اگر حرف بشنوید زود خوب می‌شوید و آلا بیچاره و بدبخت دنیا و آخرت خواهید شد.

﴿سؤال ۱۴۳﴾ ۱. ماه رمضان آغاز شده است و آن طور که شنیده‌ام در این ماه مبارک، شیاطین در غل و زنجیر هستند. اما من که تا حدودی در قبل از ماه

مبارک به وسواس مبتلا بوده‌ام، همچنان از آن رنج می‌برم. اگرچه ممکن است در پرهیز از گناهان چندان مراقب نباشم اما حداقل بر نماز اول وقت و روزه پایبندم. اما در این ماه مبارک و شاید ماه‌های مبارک گذشته دچار حالاتی شده‌ام که بوی ریا می‌آید. مثلاً با سر را پایین انداختن و نشان دادن حالت نیکو قصد مورد توجه قرار گرفتن می‌کنم اما خدا را شکر در همان لحظات یا در مدتی کمتر از یک دقیقه متوجه شده و با یادآوری عظمت خدا سعی در دور کردن آن حالت زشت را دارم. از آنجائی که هر کس بر خود آگاه‌تر است بعید می‌دانم صرفاً به دلیل وسوسه فکری نگران باشم.

۲. من بر بعضی از گناهان متناسب با سنّ جوانی اصرار ورزیده‌ام اما از پنج شش روز قبل از ماه مبارک رمضان سعی بر اجتناب داشته‌ام. در مورد بعضی یقیناً پرهیز و در مورد سایرین تمام تلاشم را در مورد جلوگیری به کار خواهم گرفت. با توجه به اینکه اصرار بر گناه از مواردی است که مانع از استجاب دعاست و من هم احتمالاً بعد از ماه مبارک ممکن است به آن گناهان برگردم با چه دل و زبانی خدا را بخوانم؟

۳. از دعا‌های کوتاه و مفید برای ماه مبارک رمضان کدامیک را مفیدتر می‌دانید؟

♦ شما باید به این گونه وسوسه‌ها بی تفاوت باشید. شما باید بدانید ریا ندارید و باید امید و رجای شما به خدای متعال زیاد باشد و ذکر یونسیه برای شما خیلی خوب است. «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»

﴿سؤال ۱۴۴﴾ برای تطهیر محل نجس بعد از برطرف شدن عین نجاست ریختن سه مرتبه آب واجب است؟

◆ به واسطه آب لوله کشی بعد از رفع نجاست پاک می شود و احتیاج به ریختن آب ندارد. ولی در آب قلیل برای ادرار دو دفعه ریختن آب کفایت می کند، یکی برای رفع نجاست و دیگری برای تطهیر.

﴿سؤال ۱۴۵﴾ اگر بعد از تزریق آمپول به اندازه سر سوزنی لباس شخص آغشته به خون شود، آیا آن لباس نجس است؟ انجام نماز با آن لباس چه حکمی دارد؟

◆ آن خون نجس است ولی با آن می شود نماز خواند.

﴿سؤال ۱۴۶﴾ آیا آبی که در اثر تهییج و قبل از استمناء از انسان خارج می شود پاک است؟
◆ پاک است.

﴿سؤال ۱۴۷﴾ هنگامی که می خواهم غسل کنم می دانم که یک سر سوزن هم جایی از بدن نباید خشک باشد، حال با توجه به این موضوع مدام می ترسم که نکند آب با تمام بدنم تماس پیدا نکرده باشد و در این مورد شک می کنم و ممکن است عمل غسل را دوباره تکرار کنم. البته قبل از اینکه غسل کنم استحمام کرده ام و بدنم خیس است و با این حال آیا لازم است تمام بدن با آب تماس پیدا کند؟

♦ باید غسل کنید و به این گونه شبهات اهمّیت ندهید بلکه اهمّیت دادن حرام است.

﴿سؤال ۱۴۸﴾ اگر آبی به صورت قطره روی چیز نجس یا عین نجاست بریزد و ما ندانیم یا شک کنیم که این آب به محل دیگری مثل دیوار و پرده پاشیده شده یا خیر. آیا آب کشیدن آن محل ها لازم است یا نه؟
♦ لازم نیست.

﴿سؤال ۱۴۹﴾ اگر خانمی در دوران عادت ماهیانه از فعل حرام جنب شد می تواند در همین دوران غسل جنابت انجام دهد. اگر نمی تواند با توجه به اینکه عرق جنب از حرام نجس می باشد چه حکمی دارد؟
♦ می تواند غسل کند و عرق او نجس نیست.

﴿سؤال ۱۵۰﴾ باسلام چند وقت است نسبت به باطل شدن وضو حسّاس شده و مدام احساس می کنم وضویم باطل شده و گاهی برای یک نماز دو یا سه بار وضو می گیرم یا بین دو نماز دوباره وضو می گیرم یا اینکه نمی توانم برای دو یا یک ساعت وضویم را حفظ کنم. از این وضع خسته شده ام و چند وقتی است که دیگر اعتنا نمی کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

♦ اعتنا نکنید و با یک وضو نماز بخوانید. نمازهای شما صحیح است و تکرار وضوی شما حرام است.

«سؤال ۱۵۱» جوانی ۳۲ ساله هستم که خیلی وقت است دچار شدیدترین وسوسه‌ها و شک‌ها شده‌ام. به طوری که نه از جنبه عقل می‌توانم استفاده نمایم و نه از اخلاق و نه از ملکات فاضله، به طوری که می‌شود گفت دقیقاً در مقابل فضائل اخلاقی قرار گرفته‌ام. به کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی «ره» خیلی دلبستگی دارم اما هرگز مطالب آن را به طور کامل نمی‌توانم بفهمم، طوری است که هر وقت طرف کتاب‌ها می‌روم کتاب حضرت امام بیش از قرآن در نظرم هست و این صفات زشت وسوسه روز به روز هم قوّت می‌گیرد، حدود دو ماه است که صبح‌ها بعد از نماز صبح عادت کرده‌ام که حدود یک ساعت می‌نشینم و فکر می‌کنم، از مدّتی که عادت به این کار کرده‌ام، وسوسه و شکّ شیطانی شدیدتر از قبل است، نماز می‌خوانم و سعی می‌کنم با حضور قلب بخوانم اما خجالت می‌کشم عنوان کنم اما حضرت عالی می‌دانید که قضیه از چه قرار است، این روزها احساس می‌کنم که به خدا هم اعتقادی ندارم، به رسول خدا و به ائمّه، و هر وقت مراسم روضه خوانی ایشان را می‌شنوم، دچار اضطراب و نگرانی و ناراحتی اعصاب می‌شوم، احساس می‌کنم دیوانه شده‌ام. با آنکه برای مظلومیّت ائمّه گریه می‌کنم و دلم می‌خواهد فضائل و مکارم اخلاق داشته باشم قلبم پر از کدورت است. فضای ذهنیم تنگ و باریک است و همیشه در حال خیال بافی هستم. به بندگان خدا هم بدبین هستم و گاهی اوقات در ذهنم احساس می‌کنم که با بندگان خدا درگیرم. این رؤیا را یک واقعیّت تلقّی می‌کنم. خداوند را قسم می‌دهم که برای من یک راه چاره‌ای باز کند که من چه کنم؟

◆ در هر چیزی که شما را رنج می‌دهد صد در صد بی‌اعتنا

باشید، کلمه «لا اله الا الله» را زیاد بگویید، مخصوصاً در موقع وسوسه، قطعاً خوب می‌شوید.

﴿سؤال ۱۵۲﴾ ۱. من در رفتار با نامحرمان خیلی مراقب هستم و همین طور در نگاه به نامحرم، ولی نسبت به جوانان نامحرم خیلی حساس شده‌ام به طوری که در برخورد با آنان (مثلاً حضور در یک مکان مخصوصاً وقتی که حس کنم مورد توجه و یا نگاه طرف واقع می‌شوم) یک حالت خاصی برایم پیش می‌آید. علیرغم این که از نظر عقلی سعی می‌کنم چنین رفتاری نداشته باشم. آیا در این حالت رطوبتی که خارج می‌شود حکم منی را دارد؟ با توجه به این که ممکن است این حالت خیلی زود به زود برایم پیش آید.

۲. گاهی این حالت وقتی پیش می‌آید که صحنه‌ای را (همان که در بالا گفته شد) به یاد می‌آورم، در این حالت چطور؟

۳. به طور کلی شهوتی که موجب خروج منی می‌شود چگونه است؟

۴. نسبت به صحنه‌ای حساس شده‌ام که در اثر آن معمولاً رطوبتی خارج می‌شود که این حالت هم ممکن است چند بار در روز پیش آید، این رطوبت چه حکمی دارد؟

۵. عرق جنب پاک است یا نجس؟

۶. اگر در خواب ببینم یکی از حالاتی که گفتم برایم پیش آمده، آیا نیاز به غسل هست یا نه؟

۷. اگر جایی که وظیفه ما غسل بوده و بنا به هر دلیلی مخصوصاً شک در مسأله، غسل نکرده باشم، آیا رطوبت‌های خارج شده تا وقتی که غسل را

انجام نداده‌ایم، حکم منی را دارد و نجس است؟

۸. برای این که این حالات در من از بین برود، باید چکار بکنم؟

◆ کلیه ترشحاتی که بیرون می‌آید پاک است و غسل ندارد، چه در خواب باشد و چه در بیداری، با شهوت باشد و یا بدون شهوت، و هر حساسیتی که شما را اذیت می‌کند راجع به آن بی تفاوت باشید و ترتیب اثر ندهید تا انشاءالله هر چه زودتر خوب شوید.

﴿سؤال ۱۵۳﴾ زنی هستم دارای یک فرزند پسر که چند سالی است دچار بیماری وسواس گشته‌ام و آنقدر زندگی برایم سخت و طاقت فرسا است که روزی چند مرتبه آرزوی مرگ می‌کنم که چرا نمی‌توانم شوهرداری و بچه‌داری کنم، از جمله اینکه هنگام دستشویی یا حمام اینقدر معطل می‌کنم که پاهایم از نشستن یا ایستادن خواب می‌رود و با هیچکس رفت و آمدی ندارم، وظیفه فردی من چیست؟

◆ شما باید نظیر همه‌ی مردم باشید، و این افراط‌گری‌ها علاوه بر اینکه حرام است، موجب بدبختی شما و خانواده شماست و حتماً باید دست بردارید، هر کاری که شما را به زحمت می‌اندازد باید انجام ندهید و نسبت به آن بی تفاوت باشید، غسل شما نباید بیشتر از پنج دقیقه طول بکشد، معطل شدن شما برای وضو و غسل و دستشویی حرام است و موجب ذلت و بدبختی شما و دیگران است.

﴿سؤال ۱۵۴﴾ من تقریباً حدود دو سال است که به وسواس افتاده‌ام و روی

چند چیز است که بیشتر حسّاس شده‌ام.

۱. آیا درختی که لباس نجس روی آن انداخته‌ایم، به وسیله باران و آفتاب پاک می‌شود یا نه؟

۲. در همسایگی ما خانه‌ای است که قبلاً در آن بهایی زندگی می‌کرده است ولی چند سالی است که آن خانه را مسلمانی خریده است، آنها با همسایگان رفت و آمد دارند، نذری می‌آورند، آیا آن خانه پاک است؟ نذری که می‌آورند پاک است یا نه؟

۳. آیا خارجی‌ها که به ایران می‌آیند (کافر، ارمنی یا ...) و با دیگران تماس پیدا می‌کنند، پاک هستند یا نه؟

۴. مردی به روسیه رفته و با یک زن ارمنی ازدواج کرده و ادعا می‌کند که این خانم مسلمان شده است اما هنوز نماز نمی‌خواند. حال اگر این خانم به منزل ما آمد و شریک زندگی ما شد، حکم آن مرد و زن مدّعی اسلام چه می‌باشد؟ آیا محکوم به طهارت است در حالیکه رعایت اجتناب از نجاسات را نمی‌کند یا نمی‌داند؟

۵. وسائل برقی یا لباس‌ها و لوازم آرایشی و خوراکی‌ها (شیرینی و شکلات و ...) که از خارج مثل آمریکا یا آلمان به ایران می‌آورند پاک هستند یا نه؟

♦ (۱) پاک می‌شود.

(۲) خانه پاک است.

(۳) رفت و آمد با آنها اشکال ندارد.

(۴) آن خانم پاک است و رفت و آمد با او اشکال ندارد.

۵) اجتناب از آنها لازم نیست و استفاده از مثل وسائل برقی و خوردن مثل آن شیرینی‌ها اشکال ندارد.

﴿سؤال ۱۵۵﴾ کسی که احتمال می‌دهد با عمل به احتیاطات در وسواس بیافتد، چه وظیفه‌ای بر عهده دارد؟

◈ اگر کسی بداند و یا احتمال دهد که به واسطه عمل به بعضی احتیاطات مبتلا به وسواس می‌شود، نباید آن احتیاط را عمل کند، مثلاً اگر می‌داند برای آب کشیدن متنجس یک بار آب ریختن کافی است، نباید احتیاطاً دو بار یا بیشتر آب بریزد.

﴿سؤال ۱۵۶﴾ توبه از وسواس چگونه محقق می‌شود؟

◈ توبه از این گناه، پشیمانی از گذشته و دست برداشتن از وسواس و تصمیم به ترک آن در آینده و استغفار از درگاه الهی است

منابع و مأخذ

١. قرآن كريم
٢. الأمالي، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمى معروف به شيخ صدوق (ت ٣٨١ هـ ق)، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٢ هـ ش.
٣. تفسير القمى، ابو الحسن علي بن ابراهيم بن هاشم قمى (ت ٣٠٧ هـ ق)، قم، مؤسسه دار الكتاب، ١٤٠٤ هـ ق.
٤. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن بن علي بن محمد بن حسين معروف به شيخ حر عاملى (ت ١١٠٤ هـ ق)، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ ق.
٥. تهذيب الأحكام، ابو جعفر محمد بن حسن الطوسى (ت ٤٦٠ هـ ق)، تحقيق: سيد حسن الموسوى الخراسان، تهران، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الرابعة، ١٣٦٥ هـ ش.
٦. شرح نهج البلاغة، ابو حامد عبد الحميد بن هبة الله بن ابى الحديد المعتزلى (ت ٦٥٦ هـ ق)، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٠٤ هـ ق.
٧. العروة الوثقى، السيد محمد كاظم بن عبد العظيم الطباطبائى اليزدى (ت ١٣٣٧ هـ ق)، تحقيق و تصحيح: أحمد المحسنى السبزوارى، قم، مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الأولى، ١٤١٩ هـ ق.

۸. *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (ت ۳۸۱ هـ ق)، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هـ ق.

۹. *الکافی*، محمد بن یعقوب بن اسحاق الكليني الرازی (۳۲۹ هـ ق)، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ هـ ش.

۱۰. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (ت ۳۸۱ هـ ق)، قم، دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ ق.

۱۱. *مسکن الفؤاد عند فقده الأحبة والأولاد*، زين الدين بن علی بن احمد عاملی جبعی معروف به شهيد ثانی (ت ۹۶۶ هـ ق)، قم، انتشارات کتابخانهی بصیرتی، [بی تا].

۱۲. *من لا يحضره الفقيه*، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (ت ۳۸۱ هـ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۳ هـ ق.

۱۳. *نهج البلاغة*، گردآوری: ابو الحسن محمد بن حسین الموسوی البغدادی معروف به سید رضی (ت ۴۰۶ هـ ق)، تحقیق: صبحی صالح، قم، انتشارات دار الهجرة، [بی تا].

«امور استفتائات و پاسخ به سؤالات»

دفتر حضرت آیت الله العظمی مظاهری «مدظله العالی»

آماده‌ی پاسخگویی به سؤالات شرعی، اعتقادی و اخلاقی می‌باشد.

آدرس: اصفهان - خیابان عبدالرزاق - کوچه شهید بنی لوحی

کد پستی ۹۹۵۸۱-۸۱۴۸۶ تلفن: ۴۴۶۴۶۹۱-۰۳۱۱

نشانی اینترنتی: www.Almazaheri.ir



همچنین علاقه‌مندان جهت دریافت دیگر آثار و تألیفات معظم‌له،

در زمینه‌های تفسیر قرآن کریم، فقه، اخلاق، اعتقادات، رجال و

تاریخ و سیره، می‌توانند با مؤسسه فرهنگی مطالعاتی

الزّهر (سلام‌الله‌علیها) تماس حاصل نمایند.

تلفن و دورنگار: ۴۴۶۳۶۷۱-۰۳۱۱

نشانی اینترنتی: www.al_zahra.ir